

# قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

از ان مرکز میهن و ملت ملی ایران

سعید رضوانی

## معجزات امام:

### تبدیل آدم به آدمکش

معامله کننده یک دولت معقول و مسئول. این رفتاری که اکنون در انگلستان و فرانسه با نمایندگان جمهوری اسلامی و دفاع سیاسی و اقتصادی ایران میشود، حتی از رفتاری که با شبکه های گانگستری میکنند بدتر و شرمناکتر است.

ایران متجاوزان و زحمتکاران است که با اروپا روابط سیاسی دارد. در طول این چهار قرن هیچوقت پیش نیا مده بود که سفارت ایران در پاریس را مأمورین پلیس محاصره کنند و از اعضای سفارت، موقع ورود و خروج، ورقه شناسایی بخواهند یا در لندن، به بهانه دزدی یکی از دیپلمات های ایرانی کفش های اعضای سفارتخانه را زیر بغلشان بگذارند و بگویند برگردید به کشورتان!

ما از خودمان و از شما هموطنان شرم داریم

بقیه در صفحه ۱۰

### سوریه هم

### فاصله میگیرد

یک ناظر روشن بین صحنه خاورمیانه گفته است که اعراب بدون مصرتی توانند با اسرائیل بجنگند و بدون سوریه نمی توانند با آن صلح کنند. کنا رکشیدن مصر از جبهه جنگ کارآسانی نبود، آمدن سوریه بر خط صلح نیز کارآسانی نخواهد بود. مصر آن بخش از خاک خود را که در اشغال اسرائیل بود با مذاکره پس گرفت، آیا سوریه هم خواهد توانست آن قسمت از خاک خویش را که در اشغال اسرائیل است با مذاکره پس بگیرد؟ هنوز مذاکره ای در کار نیست، و اگر هم باشد، برخلاف مذاکره مصر و اسرائیل دوجانبه نخواهد بود، بلکه باید در چهارچوب کنفرانس بین المللی صلح صورت پذیرد.

بقیه در صفحه ۱۰

### پرواز

### کیکاووس و نمرود

در صفحه ۶

ظاهراً " دنیا بر آن شده است که با رژیم آیت الله مثل یک شبکه گانگستری

حسین علی مشکان

### حمله و ضد حمله

آنها که تاریخ معاصر ایران را مطالعه کرده اند کشمکش میان دو جناح رژیم حاکم را، از جبهه ای، شبیه کشمکش می با بندکده در آستانه انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی بین طرفداران سردار سپه و جناح مخالف وی جریانی داشت.

البته شباهت، نه از نظر شخصیت طرفین دعواست، بلکه از نظر حیاتی بودن موضوع. به قول خودآخوندها - متنازعاً، کلاه از این جهت تا آن است.

مجلس چهارم هنگامی به آخرسید که احمد شاه در اروپا بسر میبرد و اعتنائی چندانی به اوضاع ایران نداشت. محمد حسن میرزا ولیعهد، برادر احمد شاه، مورسلطنت را تکفل میکرد و رضا خان سردار سپه رئیس الوزرا و فرمانده کل قوا بود.

درگیری بین رئیس الوزرا و دربار راز آن حد گذشته بود که قابل پرده پوشی نباشد. همه میدانستند که سردار سپه مقدمات ترقی خود را به مرتبه بالاتر از ریاست وزرا فراهم میسازد و میخواهد زبیربای شاه و ولیعهد را جا رو بکند.

بقیه در صفحه ۱۲

### سوء قصد نا فرجام

### به جان مسئول نهضت در انگلستان

آن را برعهده داشت، رخ داد. خبرگزاری فرانسه زلندن می نویسد: پس از آنجا ریمب که در تومبیل آقایی میرپرویز در زیر صندلی کنا را شنیده کا رگذاشته شده بود، دو عا بر بی درنگ برای بیرون کشیدن وی به سوی محل حادثه دویدند و دست به کار شدند.

مسئول شاخه نهضت مقاومت ملی در انگلستان، بی درنگ به بیمارستان منتقل شد و دست و پایش که بر اثر انفجار آسیب دیده بود کج گرفته شد.

بقیه در صفحه ۵

## عطسه بیداری غرب

امریکا درصاحبها و شینگتن تا میز رژیم خمینی را خونخوارترین رژیم دنیا از قرون وسطی تا امروز توصیف کرد و افزود: بهبود روابط بین ایالات متحده و ممتی دیوانه زنجیری که برای ایران حکومت می کنند، بسیار بعید است.

بقیه در صفحه ۳

### در مصاحبه با رسانه های گروهی

غرب در باره قطع رابطه پاریس - تهران

### بختیار: قطع رابطه با

### جمهوری اسلامی

### اجتناب ناپذیر بود

چهل و هشت ساعت پیش از انقضای مهلت اولتیماتوم ۷۲ ساعته رژیم تهران، دولت فرانسه ساعت دوازده و چهل دقیقه روز جمعه هفدهم ژوئیه اعلام کرد که روابطش را با رژیم جمهوری اسلامی قطع کرده است.

پنجشنبه شانزدهم ژوئیه جمهوری اسلامی به دولت فرانسه اولتیماتوم داده بود که هرگاه تا ۷۲ ساعت دیگر، از محاصره سفارت جمهوری اسلامی در پاریس دست برندارد، روابط خود را با پاریس قطع خواهد کرد.

بقیه در صفحه ۲

در افسانه های که برای کودکان ما نقل میکردند، گاه می آمد: پادشاه کا مکار، که به جادوی دیونا بکار به خواب گران فرورفته بود، ناگهان عطسه ای زد و بیهوش آمد.

انگار جهان غرب عطسه بیداری را زده است. از روز بیست و هفتم ماه مه تا روز چهاردهم ماه ژوئیه سال ۱۹۸۷، رهبران غرب، یکی بعد از دیگری، از خواب گران چند ساله بیدار شدند.

روز ۲۷ مه نوبت پریزیدنت رونالد ریگان بود که در یک مصاحبه تلویزیونی خشم خود را نسبت به قانون شکنی و تروریست پوری آخوندهای حاکم بر ایران - بالحنی که برای ملت ایران سخت اهانتمیز بود و پاسخ خود را از دکتر بختیار گرفت - بیان کرد.

روز ۱۱ ژوئن نوبت آقای واین برگر وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا بود که به زیبایی دیگری اعتنائی جمهوری اسلامی به حقوق بشر و موازین بین المللی را بشدت مورد انتقاد قرار دهد. وزیر دفاع

### سخنرانی دکتر عبدالرحمن برومند

## هدف نهضت

هما نظور که در شماره گذشته با اطلاع خوانندگان گرامی خود را ندیم، از طرف نهضت مقاومت ملی ایران، واحد آلمان غربی، چند جلسه سخنرانی در شهرهای مونیخ، هامبورگ و کلن - از تاریخ ۱۷ تا ۱۹ ژوئیه جاری - ترتیب داده شده بود.

سخنرانان این جلسات، به ترتیب آقایان دکتر عبدالرحمن برومند، دکتر عباسقلی بختیار، دکتر منوچهر رزم آراء، اعضای شورای عالی نهضت مقاومت ملی ایران، بودند.

ما، در این شماره متن کمی کوتاه شده اولین سخنران، آقای دکتر برومند را که در باره هدف نهضت و طریق دستیابی به آن، سخن گفته است بنظر خوانندگان خود میرسانیم.

بقیه در صفحه ۴

در مصاحبه با رساله‌های گروهی عرب در باره قطع رابطه پاریس - تهران

## بختیار: قطع رابطه با جمهوری اسلامی

### اجتناب ناپذیر بود

بقیه از صفحه ۱

فرانسه، این چنین، با اعلام قطع روابط سیاسی خود با رژیم تهران که نتیجه ناکامی‌های پی‌درپی در زمینه عادی سازی روابط با این رژیم بود، بر جمهوری اسلامی پیشی گرفت.

در پی اعلام قطع روابط دیپلماتیک فرانسه با جمهوری اسلامی، رسانه‌های فرانسوی و آمریکایی با برگزاری چندین محامیه با دکتر بختیار، رهبر نهضت مقاومت ملی ایران، نظری را درباره این رویداد بزرگ روزگوارا شدند.

در مصاحبه با آسوشیتد پرس، خبرنگاری آمریکایی، دکتر بختیار اظهار داشت که قطع مناسبات دیپلماتیک میان فرانسه و جمهوری اسلامی، امری اجتناب ناپذیر بود.

رهبر نهضت مقاومت ملی ایران در این مصاحبه که دوساعت پس از اعلام قطع روابط فرانسه با جمهوری اسلامی به سراسر جهان مخابره شد اظهار داشت قطع این مناسبات از آن روی اجتناب ناپذیر بود که قوانین حقوق بین الملل از سوی جمهوری اسلامی هرگز محترم شمرده نمی‌شود حتی از سال‌ها پیش زیر پا گذاشته می‌شد. وی افزود نه تنها برای فرانسه بلکه همچنین برای دیگر کشورهای غربی غیرممکن است که بتوانند با ملایان جمهوری اسلامی رابطه برقرار سازند. من فکر می‌کنم که ملایان نمی‌توانند مستقیماً غیرمستقیم بران حکومت می‌کنند، فاسدان و تباهی‌رانان واقعی هستند که دودستی به قدرت رسیده‌اند، اما به نظرم رسد که قدرت هر روز هر چه بیشتر از چنگ آنان خارج می‌شود.

دکتر بختیار این نظریه را که در درون رژیم جمهوری اسلامی، عناصر معدودی یافت می‌شوند که در گفت‌وگو غیرممکن است از بطن رژیم ملایان، رژیم معتدلی بیرون آید. دکتر بختیار درباره روندی که متعاقب قطع روابط آغاز خواهد شد اظهار داشت که امیدوارم کارها به طرز عادی و بی‌احترامی به قوانین بین المللی، پیش برود.

اما به ملایان حاکم بر ایران هیچ اطمینانی نمی‌توان کرد. آسوشیتد پرس در پاریس بیان محامیه خبرنگارانش با دکتر بختیار رسمی نوشت: نخست وزیر پیشین ایران گفت که جامعه ایران نباید تبعیدی بی‌گمان از این که فرانسه نخستین قدرت بزرگ اروپایی است که با جمهوری اسلامی قطع رابطه می‌کند، بسیار مسرور است.

رهبر نهضت مقاومت ملی ایران در مصاحبه با خبرنگاری فرانسه در بعد از ظهر همان روز، خمینی را رژیم جانوران درنده نامیده، گفت رژیم خمینی قوانین حقوق بین الملل را رعایت نمی‌کند و در برابر آن، بهترین روش قاطع بودن است.

دکتر بختیار در مصاحبه با این خبرنگاری گفت گسست رابطه دیپلماتیک میان فرانسه و جمهوری اسلامی قابل پیش بینی بود و کشورهای غربی نمی‌توانند بگویند که در این زمینه تاگاه می‌نشدند.

دکتر بختیار اظهار داشت که با کار بسیار منطقی و استدلال نمی‌توان با یک حیوان وحشی مقابله کرد. وی افزود که نرمش و ملاطفت غرب، رژیم خمینی را تقویت کرد.

دکتر بختیار بر این نکته بسیار رتاء کید کرد که رژیم خمینی را با ملت ایران نباید یکی دانست و افزود که گمان نمی‌کنند گروگان‌های فرانسوی هدف انتقام قرار گیرند. اگر رژیم خمینی به این نتیجه رسیده باشد که در صورت انتقام جویی از گروگان‌ها، واکنش فرانسه، قاطع و بی‌وقفه خواهد بود پیش از دست زدن به عملی غیر قابل جبران، به عواقب آن خواهد اندیشید.

دکتر بختیار جمع شنبه در مصاحبه با رادیو "فرانس انتر" اظهار داشت من با کارها به غرب هشدار دادم که بنیاد رژیم خمینی بر تروریسم و کوردلی و تاریک اندیشی بنا شده است. جمهوری اسلامی همواره از تروریسم به عنوان یک ابزار کارا استفاده کرده است و تردید نیست که تروریسم خود محصول تاریک اندیشی و وابستگی است.

## بختیار در مصاحبه با کوتیدین:

### بر ایران قانون جنگل حکومت می‌کند

باید آن را متحداً به منظور تحمیل صلح، ادا می‌دهند. این روند صلح را باید تا پایان پیمود، زیرا این روند به نفع همه تمام می‌شود، همه نفع ایران، عراق و عربستان و همه نفع تمام منطقه اکنون نیز شامل مساعی در این زمینه به چشم می‌خورد و آن این که ایالات متحده و اتحاد شوروی، هر دو، هر کدام به دلایل خاص خود به این نتیجه رسیده اند که واقعا دیگر هیچ امیدی به جمهوری اسلامی نیست.

کوتیدین - اما در فرانسه، نتایجی که مایه نگرانی ماست، بسیار فوری تر است: تهدید گروگان‌های ما و گسترش تروریسم. آیا می‌توان این خطر را نادیده گرفت؟

بختیار - نخست می‌توان گفت که تهدیدها بی‌گانه از دید گروگان‌های فرانسوی اسیر در لبنان سایه افکنده، ثابت می‌کند که سرخ این ماجرا در دست خمینی قرار دارد. سپس، تهدید و باج خواهی بر سر گروگان‌ها ادا می‌شود. خواهی‌ها و این به راستی مایه نگرانی است، اما حتی اگر فرانسه به همه خواست‌های گروگان‌گیران تن در می‌داد، معلوم نبود زمین فردا دوباره دست به گروگان‌گیری نزنند. آن‌ها مانده شما فکر نمی‌کنند. برای ایران قانون جنگل فرمان می‌راند. باید بگویم که فرانسه کمی بیش از اندازه به سرنوشت گروگان‌ها توجه کرد. این امر، برگشتن و وقاحت گروگان‌گیران افزوده است.

کوتیدین - آیا به زعم شما از آخرین تحول‌های ماجرای فرانسه و جمهوری اسلامی عناصر مثبتی منتج می‌شود؟

بختیار - مسلماً، به ویژه اگر تلاش‌ها به صورت جمعی ادا می‌شود.

کوتیدین - چاپ پاریس - ۱۸ ژوئن ۱۹۸۷

کوتیدین - آیا از قطع روابط دیپلماتیک میان پاریس و تهران شادمانی می‌کنید؟

بختیار - نخست بگذارید به شما بگویم که به نظر من، این قطع رابطه، قابل پیش بینی بود. ما بایست منتظر آن می‌بودیم، زیرا همزیستی با باندی که به رغم خواست و اراده ملت ایران بر ایران حکومت می‌کند و نه قانون را گرامی می‌دارد، نه اخلاق بین المللی را، به راستی غیرممکن بود. فرانسه با همه حسن نیتی که نشان داد، چگونه می‌توانست به داشتن مناسباتی پایدار با چنین رژیمی امید بندد؟

پاریس بارها کوشید روابط خود را با تهران عادی سازد، اما من می‌دانستم که این کوشش‌ها، بروباری نخواهد داد. در یک سو، کشوری قرار داشت که عقیده داشت حقوق بشر تا وزنا پذیر است، و در سوی دیگر، کسانی که نه حیات انسان را محترم می‌شمارند، نه آزادی‌های ابتدائی را.

کوتیدین - آیا تحولی که به قطع روابط دیپلماتیک میان دو کشور انجامیده است، به زعم شما، برگشت ناپذیر بود؟

بختیار - ببینید، فرانسه کشوری است که در آن، منطقی وجود دارد. آیا می‌توان با جانوران سبغ مذاکره کرد؟ جز قطع رابطه، راه حل دیگری وجود ندارد و حتی می‌توانم بگویم اگر من بودم، بسیار سریع تر، این کار را انجام می‌دادم. باید بگویم که گفتن رابطه بود و رئیس جمهوری و نخست وزیر فرانسه همین روش شجاعانه را اتخاذ کردند.

کوتیدین - به نظر شما، در اوج گیری بحرانی که این روزها میان پاریس و تهران رخ داد، نقشی که می‌توان به رقابت جناح‌های متفاوت حاضر در محنه سیاسی ایران نسبت داد چه اندازه است؟

بختیار - این عاملی است که به بدبختانه درباره آن بسیار مبالغه شده است و متأسفانه این امریکاییان بودند که برای نخستین بار گفتند: ما با عناصر معتدل رژیم جمهوری اسلامی کنار نخواهیم آمد.

ملایان حاکم، عناصر معتدل ندارند. آن‌ها عناصر مرکب و بیش خونخوار دارند. هیچیک از جناح‌های این رژیم، قوانین بنیادی دمکراسی را رعایت نمی‌کنند. هیچیک از این جناح‌ها، قابل تحمل تر از جناح دیگر نیست. مسلماً، مظهر و نماد خمینی است، اما مدعیان دیگر نیز سزدر صورتی که به قدرت برسند، بهتر عمل نخواهند کرد. آن‌ها کار دیگری نمی‌توانند بکنند مگر این که همین رژیم را پایدار نگاه دارند یا این که از میان ببرند.

کوتیدین - نتایج این قطع رابطه اکنون چه می‌تواند باشد؟

بختیار - نخست، روندی آغاز شده است که اکنون پنج قدرت بزرگ شورای امنیت

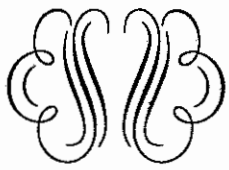
## نامه دکتر بختیار به نخست وزیر انگلستان

۲ - مراکز معاملات اسلحه رژیم جمهوری اسلامی را در انگلستان تعطیل و فروش و تحویل لوازم نظامی، اسلحه از قتل و غیر قتل را به طرفین متخاصم ممنوع سازد.

۳ - بدون توجه به وضع فعلی روابط دیپلماتیک بین ایران و انگلستان، در مورد دورروا دید برای ایرانی‌ها که برای معالجه، تحصیل یا دیدار بستگان خود، قصد مسافرت به انگلستان را دارند، تسهیلات لازم را فراهم سازد و درخواست بنا هندی افرادی را که با قرار مظلوم رژیم وحشی خمینی، سرزمین مادری خود را ترک می‌کنند، با نظر مساعد تلقی کند.

دکتر بختیار رهبر نهضت مقاومت ملی ایران طی نامه‌ای که روز دهم ژوئیه به عنوان خانم مارکارت تا نخست وزیر انگلستان ارسال داشت، ضمن تشریح نتایج فلاتک با رنجک ایران و عراق و وضع زندگی طاقت فرسای مردم ایران در دوران حکومت جمهوری اسلامی و با اشاره به اینکه به علت استبداد و خنثی حاکم در داخل مملکت ملت ایران با سختی و ازجان گذشتگی بسیار مبارزه بر ضد رژیم خمینی را به پیش می‌برد، از دولت انگلستان خواستار گردید:

۱ - کوشش همه جانبه خود را از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق بیکار برود.



هم میهنان عزیز!

هر روز تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می‌دهد.

۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ پاریس



## عطسه بیداری غرب

بقیه از صفحه ۱

روز ۷ ژوئیه آقای ژاک شیراک نخست وزیر فرانس در مصاحبه با روزنامه لوموند در مقام پاسخگوئی به شراکت های رژیم آخوندی، اظهار داشت من معتقدم با کسانی که تعهدات و قوانین بین المللی را رعایت نمی کنند، مذاکره بی فایده است. زیرا خلاف مصالح ما و حتی مصالح خودگروگانهاست. این امر در باره کشورهای نیز که قوا عدوموا زین بین المللی را به هیچ میگیرند صادق است. آقای فرانسوا میتران رئیس جمهوری فرانسه در مصاحبه تلویزیونی روز ۱۴ ژوئیه گفت: فرانسه دشمن ایران نیست ولی زیر بار شرایط رژیم خاک نمی رود. کشوری مثل فرانسه که شایسته تاریخ باشد در برابر برتهدید و زورگوئی و باج خواهی سر تسلیم فرود نمی آورد. دیگر مردان سیاسی جهان غرب نیز هر کدام به سهم خود قرینهای از بیداری بدست داده اند.

با بیداری مسئولان دنیای آزاد گفت: آقایان، بیداریتان مبارک! اما چرا اینقدر دیر؟ مگر آنهایی که شرف و کرامت آخوندیست ستمدار را با پوست و استخوانشان احساس کرده بودند، از آنها پیش شما را از این ورطه پر لجن برحذر نمی داشتند؟ اگر به همدارهای دکتر بختیار، که خمینی و عمله فسادش و بیش از آن، ما هیت رژیم آخوندی را بسیار خوب می شناسند دل داده بودید، آیا پیش از رسیدن به این مرحله بسیار خطرناک در منطقه بسیار حساس خاورمیانه - و بخصوص خلیج فارس که شریان حیاتی جهان آزاد است، عطسه بیداری را نمی زدید؟

دکتر بختیار، از هشت سال پیش در همه سفرها و دیدارها، با دلیل و منطق شما را از سازش با رژیم آخوندی ها حاکم بر ایران - حتی بخاطر منافع دراز مدت خودتان هم شده - برحذر میداشت. ولی وسوسه منافع آنی، پرده ضخیمی بر چشم عاقبت بین شما کشیده بود.

گذشته از این هشدارهای حضوری، او از طریق وسائل ارتباط جمعی بین المللی، بوسیله پیامها، مصاحبه ها و سخنرانیها، در اینجا و آنجا، میکوشید غرب را بسسه مخاطره آدامه حیات رژیم جمهوری اسلامی برای ایران و جهان، آگاه سازد.

برای تجدید خاطر، صفحات قیام ایران را ورق میزنیم و بعنوان نمونه، در حدود گنجایش نشریه، عبارات هاشمی از پیامهای مداوم و بدون ابهام او را - که مشتاقان از خروار است - نقل می کنیم.

ژوئن ۱۹۸۲

( در مصاحبه با هفته نامه آلمانسی ویر شافتس وُخه )

سؤال - آقای بختیار، شما دو سال پیش سقوط نزدیک رژیم مذهبی ایران را پیش بینی کردید، اما جمهوری اسلامی هنوز برقرار است.

جواب - بسیاری از دولت های غربی، از

جمله آلمان فدرال روابط اقتصادی و سیاسی با جمهوری اسلامی دارند و ازین طریق از رژیم حمایت میکنند که به نیروی خود هرگز بیش از یک سال دوام نمی آورد. در واقع من معتقد بودم که برای ملت های متمدن غیر قابل تصور است که کمک خود را به یک چنین رژیم تروریست و خونریز عرضه کنند. این روش نه با منافع دراز مدت آنها توافق دارد و نه با ارزش های اخلاقی جهان غرب که با یک چنین رژیم بربری همکار نکند.

سپتامبر ۸۲

( در مصاحبه با رادیو لوکزا مبورگ )  
... فکرمی کنم که قدرت ها ثی که از خمینی حمایت کردند، سرانجام در خوارند و وقت آن است که در خلیج فارس، این منطقه بسیار حساس، سیاستی واقع گرا و در عین حال منطقی در پیش بگیرند.

نوامبر ۸۲

( در سخنرانی در انجمن "کنفرانس های بزرگ پارسی و آدیو فرانسه" )  
" من نمی خواهم بگویم که استقرار رژیم خمینی منحصر به نتیجه نظر مسا عد و کمک غربیهاست. تکرار میکنم که ما رژیم فاسد داشتیم، دمکراسی نداشتیم. ولی این برای سرنگونی آن کافی نبود. نظر موافق و سازگاری غرب، در روی کار آمدن خمینی نقش داشته است. به موردی یا لات متحده آمریکا توجه کنید. در تاریخ مدرن جهان هرگز هیچ کشوری تا این اندازه که ایالات متحده از طرف رژیم خمینی تحقیر شده، تحقیر نشده است. به مدت ۴۴ روز دیپلمات های ایمن

کشور برخلاف عرف و قوا عد بین المللی بدست گروهای او با ش زندان شدند... ولی آمریکا علیرغم این تحقیرها از خمینی نفت میخرود و سعی میکند به ملاحای معتدل رو بیاورد. آمریکا تنها نیست. انگلستان و فرانسه هم همین کار را میکنند.

چند ماه قبل برخلاف همه اصول و قوا عد بین المللی سفیر فرانس را در فرودگاه تهران مثل یک قاچاقچی با زرسی بدنی کردند و چند روز پیش در جراید خواندم که با همه اینها فرانس تصمیم به اعزام سفیر دیگری به تهران گرفته است... این سازگاری و موافقت با رژیم خمینی تا کی به طول خواهد انجامید؟ کدام کشور خواهد بود که عاقبت شجاعت این را داشته باشد که علنا "تفاضا کند کشوری که قواعد زندگی بین المللی را محترم نمی دارد، از جامعه بین المللی را ندهد؟"

دسامبر ۸۲

( در تلگراف به " کمیسیون فرهنگ فرانسوی " بروکسل - پس از آنصرا ف از سفروا پیراد سخنرانی، بر اثر فشار دولت جمهوری اسلامی )

" با ابراز امتنان از شخصیت های دعوت کننده، بایدا بین واقعیست را پذیرفت که تروریسم هنوز شریک است

و کشورهای دموکراتیک، همچنان که در گذشته نداشتند هیتررا یاری دادند، امروز نیز ناخواسته، به مقاصد و مقاصد انسانی خمینی کمک میکنند. نظر به اینکه با این ترتیب نمیتوانم آزادهای فکری و عقاید را در باره مبارزه ای که برای آزادی میکنم، بیان نمایم، تصمیم گرفتم از این مسافرت صرف نظر کنم."

ژانویه ۸۳

( در مصاحبه با روزنامه بلژیکی "لوسوار" ) من تمام کشورهای غربی را مورد خطاب قرار میدهم که نسبت به آیت الله خمینی و رژیم سنگینش کمتر گذشت و روی خوش نشان بدهند.

سؤال - آقای بختیار، توقع شما از غرب چیست؟

جواب - ما توقع نداریم که نیروی مسلح به ایران بفرستد، تنها میخواهیم که اینقدر گذشت و مراقت نشان ندهد و شریک جرم رژیمی که تا این حد حقوق بشر را زیر پا میگذارد، نشود.

آوریل ۸۳

( در سخنرانی در انجمن "کارفور و لامیتیه" ) من در آغاز سخن از بعضی همراهیها و حتی نوعی همدستی غرب در موقفت خمینی سخن گفتم. امروز همه می بینیم که علیرغم همه جنایتها، همه فجایع رژیم و علیرغم اینکه خمینی در راه منفورترین حکام جهان قرار گرفته است، کشوری مثل سوئد در صدد توسعه روابط و مبادلات خود با جمهوری اسلامی است."

فوریه ۸۴

( در گفتگو با روزنامه "تایمز لندن" ) من برای نکته واقف هستم که چگونه بعضی شرکت های غربی به مدور کالا به جمهوری اسلامی متکی شده اند. من مخالف فروش پنی سلین به ایران نیستم. اما وقتی پای فروش لسوازم یدکی تا نک و هوا پیما به جمهوری اسلامی به میان می آید، یعنی آنچه خمینی را قادر می سازد هزاران تن از کودکان ما را به کام مرگ بفرستد، عمل نابخودند می شود.

مارس ۸۴

( در مصاحبه با مجله عربی "الدستور" ) من در دیدارهایی که با دولتمردان چند کشور غربی داشتم، آنان را از آدامه سیاست های شان در قبال خمینی و کمک به رژیم و بر حذر دادم و خطرات ناشی از آدامه این سیاستها را به آنها گوشزد کردم... سیاستمداران مؤمن بسسه دمکراسی نیز، کشورهای خود را از کمک به خمینی بر حذر میدارند. من در سفر آمریکا و انگلیس و کشورهای منطقه،

این همفکری را مشاهده کرده ام. همگی این مردان سیاسی به دولت های خود هشدار داده اند که آدامه کمک به روح الله خمینی جهان را با خطرات روزافزون مواجه خواهد کرد و سیاست جنون آمیز این آخوند ممکن است آتش جنگ سوم جهانی را شعله ورسازد.

فوریه ۸۶

( در سخنرانی در شورای روابط خارجی آمریکا، لوس آنجلس )

نیا زبه تکرار این واقعیت نیست که چاه ز

لحاظ روحی و چاه ز نظر عملی، برای غرب اشتباه بزرگی خواهد بود اگر در مورد کمک مالی به حکومت استبدادی و تروریست - پرور خمینی اقدامی به عمل آورد. امروز با روشن شدن مسائلی که در فیلیپین شاهد آن هستیم درمی یابیم که بسیار دور از واقع بینی خواهد بود اگر حکومتی که مورد نفرت مردم است مورد حمایت قرار گیرد. بدین ترتیب بسیار بجا خواهد بود که اشتباهات گذشته را تکرار نکنیم.

اکتبر ۸۶

( در گفتگو با روزنامه آلمان "دی ولت" ) غرب نباید در باره ما هیت و عمل رژیم جمهوری اسلامی دچار توهم شود. اگر چه تروریست ها از انقلاب نیز در ایران وجود داشت ولی به عقیده من هرگز چنین مطلق و چنین گسترده و داری انگیزه دینی نبود. امروز تهران مرکز تروریسم بین المللی است.

ژانویه ۸۷

( در مصاحبه با روزنامه فرانسوی "لوکوتیدین دوپاری" )

سؤال - آیا واقع بینان نه میداند که کشورهای غربی روابط خود را با رژیم خمینی عادی سازند؟

جواب - عادی سازی روابط با دولتی که قوانین بین المللی، عدالت و ابتدایی ترین اصول انسانی را پایمال می کند؟ با دولتی که جز در اندیشه صدور انقلاب تعصب بارش نیست؟ چرا می خواهید غربیها مناسبات شان را با چنین دولتی عادی سازند و حال آن که همواره آن را وحشی و بربر توصیف می کنند؟ نمیتوان و نباید با خمینی، مردی که به نام او و تحت مسئولیت او، این همه جنایت انجام شده، سازش کرد. قابل درک می دانم که غرب در آنچه در ایران می گذرد، مداخله نکنند، اما به هیچ روی درست نمی دانم که غرب با معامله با رژیم کنونی، بر آنچه در ایران می گذرد، چشم فرو بندند.

فوریه ۸۷

( در پیام به کمیسیون روابط خارجی اجازب دموکرات مسیحی اروپا )

این رژیم نه تنها در داخل مرزهای خود، با تکیه بر شیوه ارباب و وحشتی بیرحمانه حکومت میکند، بلکه با گسترده شبکه های تروریستی و گروگان گیری در جهان و بسا مداخله آشکار در امور داخلی همسایگان، با توسل به آشوبگری و جنگ، امنیت و صلح خاورمیانه و جهان را به خطر می اندازد. آیا این جنگ می توانست بدون حمایت و حتی همدستی پاره ای از دولت ها و از جمله کشورهای دمکراتیک که ملاحای میکوشند با گروگان گرفتن شماری از اتباع بی گناه شان مرعوبشان سازند، آدامه بد؟... تاریخ معاصر جهان بخوبی نشان داده است که در برابر رژیم های از این دست و شرعی که در وجودشان تجسم یافته، اقدامات نیم بند و سیاست دست روی دست گذاشتن و دادن امتیاز خطاست.

ژوئن ۸۷

( در نامه سرگشا ده بریکان )  
بفرما شید چه نیروهای هشت سال تمام،

بقیه در صفحه ۱۱

## سخنرانی دکتر عبدالرحمن برومند

## هدف نهضت

بقیه از صفحه ۱

حاکمیت ملی و استقرار آن در مملکت هدف نهضت مقاومت ملی ایران است. مفهوم حاکمیت ملی این است که مردم در داخل کشور آزادادی و دموکراسی بهره مند باشند و در صحنه بین المللی از استقلال، منظوراً ز دموکراسی حکومت اکثریت است با رعایت کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی اقلیت بنحوی که اقلیت مجال و امکان اکثریت شدن را داشته باشد.

این هدف، هدف جدیدی نیست. هدف میهن پرستان و آزادیخواهان مملکت قبل از جنبش مشروطیت نیز همین بود که بدنیا سالها کوشش و تلاش و مجاهدت منجر به انقلاب مشروطیت و تدوین قانون اساسی گردید و حاکمیت ملی بموجب اصل ۲۶ متمم قانون اساسی که میگوید "قوای مملکت ناشی از ملت است" برکسی مقصود نشد و به صورت روح قانون اساسی و در واقع علت وجودی مشروطیت متجلی شد زیرا تمام مردم برای بدست آوردن مشروطیت بدین منظور بودند که: اراده ملی را بجزین اراده فردی شود و حاکمیت که در قبضه فرد یا طبقه خاصی بوده با حب حقیقی آن یعنی ملت انتقال یابد و بعبارت دیگر نظام مردم سالاری در مملکت برقرار گردد.

با این توضیح به این نتیجه منطقی میرسیم که هر اصلی از اصول قانون اساسی و متمم آن خواه از اصول اولیه یا اصول اصلاحی یا الحاقی که معارض روح قانون اساسی یعنی حاکمیت ملی باشد یا محدودیتی برای حاکمیت تحمیل کند فاقد اعتبار و ارزش اجرایی است.

(۰۰۰)

نگاهی بتاریخ ایران از آغاز مشروطیت تا کنون، نشان میدهد که کلیه حرکتها، نهضتها و مبارزات ملی در این مسیر جریان داشته است.

مبارزه علیه قرارداد ۱۹۰۷ منعقد بین روسیه تزاری و انگلستان و تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ برای هر یک از طرفین قرارداد، قیام مسلحانه علیه محمدعلی شاه قاجار، مبارزه وسیع و دامنه دار ملت علیه قرارداد ۱۹۱۹ که بموجب آن ایران عملاً "تحت الحما" یا انگلستان قرار میگرفت، مخالفت ملیون ایران با کودتای ۱۲۹۹، مبارزه آزادیخواهان با تغییر سلطنت.

مبارزات آزادیخواهان ملت ایران از شهریور ماه ۱۳۲۰ تا نهضت ملی کردن نفت در وجهه با دنیای غرب و ضمیمه یکی نیروی سیاه و یکی نیروی سرخ، آن با همه تجهیزات و آپس گرای سنتی برخوردار از حمایت قدرت های استعماری رگرجی، این با سیمای مردم فزین طرفداری از طبقات محروم و رنجبر برخوردار از حمایت همه جانبه تعلیماتی، تبلیغاتی و تشکیلاتی یک قدرت تازه نفس خارجی با یک ایدئولوژی جهان شمول ضدملی گرائی.

مبارزات ملت ایران به رهبری دکتر محمد مصدق برای ملی کردن صنعت نفت مبارزات ملیون ایران علیه نظام ناتی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا قیام مردم در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و نخست وزیری شاپور بختیار و بالاخره در ماهین مبارزات به رهبری دکتر بختیار از طرف نهضت مقاومت ملی ایران تا امروز همه این حرکتها، قیامها و نهضتها که توأم با فدا شدن تعداد بیشماری از فرزندان جانبا ز سرزمین ما بوده و حماسی ترین بخش تاریخ جدید ایران را تشکیل میدهد بخاطر آنست که حاکمیت ملی و استقرار آن صورت گرفته است.

(۰۰۰)

حال باید دید که چرا مبارزات ملت ایران در این زمینه بعد از زشتا ده سال گرچه گهگاه با پیروزیهای زودگذر توأم بوده است ولی تا کنون منجر به پیروزی قطعی و نهایی نشده است؟ و چگونه میتوان به هدف رسید؟

با سخن به این سؤال را در شناختی عوامل داخلی و خارجی که معارض حاکمیت مردم بوده و هستند میتوان یافت. عوامل داخلی معارض حاکمیت مردم تمام افراد و طبقاتی هستند که بدون لیاقت و استعداد دومی هیچ زحمت و فعالیت در صدد کسب منفعت و ثروت اندوزی هستند و چون تحصیل ثروت و مال اندوزی از طریق مشروع بدون لیاقت و فعالیت میسر نیست ناگزیر بیدار طریق نامشروع مقصود خود را حاصل کنند یعنی عواید حاصل از فعالیت عمومی را که دسترنج قاطبه مردم است به جیب بزنند و بیهوده قیمت لاغر شدن اکثریت ملت فربه و پرور شوند. برای توفیق در این امر باید مردم آگاهان باشند، به حقوق خود پی ببرند و احیاناً "اگر حقوق خود را شناختند از احقاق حق ناتوان باشند برای اینکه چنین باشد با بدبختی، اختناق، ترور و وحشت برجا معسایه افکنند. زبانها بسته و قلمها شکسته، اجتماعات ممنوع و انتخابات فرمایشی شود و خلاصه تبعید و زندان و شکنجه و اعدام متداول گردد تا مخالفین داخلی حاکمیت ملی از جمله حکام و فرمانروایان طمع فاسد و

چپا و لگر، آخوندهای مفت خور و بیایمان که دین را دکان کسب معاش و ارتزاق قرار داده اند بخشی از ملاکین و سرمایه داران، فشری از تحصیل کردگان مدعی روشنفکری که رفاهی زحمت میطلبند، جمعی است چاپلوسان و بیست همانند از آن که شمارشان اندک نیست بر خرماد سوار شوند.

اما عوامل خارجی مخالف حاکمیت ملی دولت های استعماری و رگرجی هستند که برای کسب و حفظ منافع نامشروع خود در گذشته با اعمال زور و بیگانه بردن قوای نظامی حاکمیت خود را مستقیماً "بر مملکت ضعیف تحمیل میکردند و در شرایط کنونی غیر مستقیم، یعنی از طریق عمال و دست

نشانندگان داخلی.

بدیهی است که معارضین داخلی و خارجی حاکمیت ملی با قضاوت اشتراک منافع همواره در برابر مملکت متحد "صف آراشی کرده اند و میکنند و همین اتحادنا مقدس با استغاده زفقدان سازمانهای سیاسی ریشه دار و کارهای تشکیلاتی فعال در کشور تا با مروزمانع به شمرسی شدن مبارزات ملت ایران بوده است.

حال ببینیم: اگر در طول این مدت ۸۰ سال بجای هدف اصلی که حاکمیت ملی است اهداف سهل الوصول تردیگری که معارضان نیرومندنداشت تعقیب میکردید و بیهوده نتیجه میرسیدند برای نیل به هدف اصلی هموارتر میشد؟ و احیاناً "تاکنون به مقصود رسیده بودیم؟

مثلاً: اگر در زمینه تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش برنامهای وسیعی تدوین و اجرا میکردید و نتیجه رشد عملی و فرهنگی کافی نصیب مردم میشد درک حاکمیت ملی برای عموم و تحصیل آن آسان تر نبود؟ اگر اصلاحات اجتماعی دامنه داری را وجهه همت خود قرار میدادیم بنحوی که فقر و تنگدستی ریشه کن میگردد یک موضوع حساس و آسیب پذیر را در نبرد با دشمنان ترمیم نکرده بودیم؟

اگر به توسعه صنایع و معادن کشاوری پرداخته بودیم و در مصرف ممالک پیشرفته صنعتی جهان قرار میگرفتیم ز قسدرت بیشتری برای مقابله با معارضان برخوردار میشدیم؟

اگر برنامهای جهت گسترش کشاوری تنظیم و بموقع اجرا میگذاشتیم و از لحاظ محصولات کشاوری خود کفای می شدیم و دیگر نیازی به وارد کردن مواد غذایی ز خارج نداشتیم مکان ایستادگی و مقاومت مان در برابر برمدعیان بیشتر نمیشد؟

مسئله همین جاست. ملتی که حاکم بر مقدرات خویش نباشد آیا قادر است برنامهای صحیح در زمینه اصلاحات داخلی تنظیم کند؟ و اگر برنامهای صحیح داشت آیا میتواند آنها را بدرستی اجرا کند؟

بدون شک نه! چون اگر قرار باشد اجرای چنین برنامهای منجر به تاء میسن حاکمیت ملی شود نیروی نیروهای ملی که حاکمیت خود را بر ملت تحمیل کرده اند هرگز نخواهند گذاشت که این گونه برنامهها بنحوی مطلوب تدوین و اجرا گردد چنانکه در گذشته شاهد بودیم که هیچیک از برنامههای با مصلاح اصلاحاتی نه فقط منتهی به نتیجه دلخواه نشد بلکه برعکس زبان بیشتری برای مملکت و سود بیشتری برای قدرت های حاکم بر مان آورد.

پس باید هشیار بود که طرح این قبیل موضوعات انحرافی صرفاً "به منظور مشغول کردن مردم و بزدانتن آنها از تعقیب هدف اصلی است. نخست باید بر سر نوشت خویش حاکم شد و آنگاه هر طریق دستیابی به بهروزی و سعادت را جستجو کرد.

(۰۰۰)

نهضت مقاومت ملی ایران با مطالعه دقیق تاریخچه این مبارزات و تجربیات حاصل از آن چنین نتیجه گیری کرده است که ملت ما در طول مبارزات خود گرچه همواره دشمن را شناخته و با او به نبرد برخاسته است لکن غالباً "گرفتار

دشمنان ناشناخته ای شده که حاصل کوششها و تلاشهای او را ربوده اند. گرچه همیشه علیه نا مطلوب آگاهانه قیام کرده ولی هرگاه از نا مطلوب خلاصی یافته است یا دقیقاً "مطلوب را نمی شناسد و یا امکان بکسی نشان ندادن آنها داشته است. نهضت مقاومت ملی ایران برای مبارزه است که فقط وجود یک تشکیلات منظم و منضبط سیاسی میتواند از طریق تعلیمات و تبلیغات صحیح و دقیق مطلوب را کسب حاکمیت ملی است به مردم بشناسد و امکان بکسی نشان ندادن آنها فراهم است که تنها در سایه چنین تشکیلاتی است که میتوان دشمنان ناشناخته آزادی و استقلال را که همچون حرامیان و راهزنان در رهگذر ملیون دام گسترده اند برباز زد. شناخت و از بروز فاجعه دیگری مانند سلطه آخوندهای بی وطن و ضد ملی جلوگیری کرد.

ممکن است تصور شود که در محیط اختناق و وحشت مجال سازماندهی سیاسی نیست. البته مجال سازماندهی آزاد و علنی نیست و ما دام که حاکمیت ضمیمه بجای حاکمیت ملی نشسته است هرگز چنین مجالی دست نخواهد داد ما این امر نباید ما را از زماندهی منصرف کند و تا ابدا در سنگلاخ سرگردانی و حیرت نگه دارد. مگر ملت های دیگری که بخاطر آزادی و استقلال بیباکانه و بیپرواز شده اند چرا این تنگنا نبوده اند؟ تشکیلات پنهانی با رعایت کلیه ضوابط شناخته شده مربوط به آن ضمن استحکام و انضباط بیشتر نتایج کاملاً دلخواه را بر ما بر می آورد.

بر اساس این باور نهضت مقاومت ملی از بدو تشکیل با ایجاد هسته های مخفی مقاومت و گسترش مستمر آنها بسازماندهی در داخل مملکت پرداخت و کار سازماندهی را با همه مشکلات و موانع تا این لحظه بدون وقفه پی گیری نموده و موفقیت های چشمگیری در این زمینه تحصیل کرده است.

به موازات آن از طریق رادیو و نشریات تعلیماتی و تبلیغاتی علی الدوام هدف نهضت را که استقرار حاکمیت ملی است توضیح و تشریح نموده تا هر چه بیشتر و عمیق تر در اذهان مردم عموماً "وکارهای فعال سازماندهی خصوصاً "جای گیرنده و همچون عقیده ای استوار در جانها و ارواها خا نه کند و آنها را بخش مبارزات ملی گردانند و پیوسته در برابر دشمنان سلطه جو بمردم هشدار داشته و با حداکثر از نوظه ها و تپانیه های آنان علیه مصالح مملکت پرده برداشته و از فریب خوردن و گمراه شدن ملت زیر دستم ایران ممانعت بعمل آورده است.

نهضت مقاومت ملی ایران در صحنه بین المللی هم یک لحظه از تلاش با زنیاستاده است. آنچه در توان این سازمان بوده است در شناختن ما هیت واقعی رژیم فاسد، ضد ملی و غیر انسانی حاکم بر ایران به افکار عمومی جهان نیا بکار رفته است.

در روابط خود با قدرتهای خارجی نهضت مقاومت ملی ایران از طرفی عملاً نشان داده است که نه تنها بخاطر تحصیل و

## نامه‌ها و نظرها



حاج تمام با فستی از با ما و نوشته های خوانندگان کرامی فقط برای منعکس کردن نظرات و عقاید و سرداشت های شخصی نویسندگان نامه ها ست و لزوماً به معنای موافقت و همراهی ارکان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران با مفاد همه این نوشته ها نیست. از نویسندگان نامه ها تقاضا می کنیم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود با ما و روشنند تا نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه های که در آن ها نسبت به اشخاص و گروهها هتک حرمت شود و یا عفت و بزرگواری ظلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه ها از ماست.

## لوطی غلامحسین های خلقی

تمنا دارم این شرح مختصری را که من از بندبازی لوطی غلامحسینی این جنابان خلقی نوشته ام برای عبرت هموطنانمان (با امضاء محفوظ بخاطر درمانمانندن از تعرضات خلقی) چاپ بفرمائید. من به تحریک حس کنجکاوی که از زمان خیرنگاری جرایم گذشته، در وجودم لانه دارد، به تماشا می تظا هراتی که آقا یان مجاهدین خلق روز ۱۹ جون در شهرین براه انداختند رفتیم. ملاحظات و مشاهدات خودم را برای شما مینویسم. اولاً نحوه جمع آوری افراد و ترکیب افراد شرکت کننده در این تظا هرات قابل توجه است. آقا یان، از ۱۵ روز پیش از تظا هرات، ضمن پخش اعلامیه در بسیاری از برنا مه تظا هرات، در همه شهرهای اطراف به محل سکونت پناهندگان مراجعه کردند و با بیانیات فریبنده در باره آزادیخواهی و دمکرات منشی سازمان، اعلام داشتند که وسیله ایاب و ذهاب تا شهرین مجانی است. با این ترتیب پناهندگانی که در نهایت عسرت مالی به سر میبرند و به هیچ وجه امکان سفر ندارند، با اینکه غالباً به آقا یان هیچگونه سمپاتی ندارند و خیلی هاشان مخالف آنها هستند، برای

استفاده از وسیله سفر مجانی و با زدید از شهرین و با دیدار آقا یان پراکنده در شهرهای مختلف به بن آمده بودند. از طرف دیگر گروه زینا هندگانی که تقاضای پناهندگی داده و هنوز بسا تقاضای آنها موافقت نشده برای تحصیل یک مدرک دادگاه هستند در تظا هرات شرکت کردند که عکس آنها در تظا هرات منعکس با شد و آنرا بعنوان مدرک مخالفت با خمینی به دادگاه ارائه دهند. این امر در کوشش آنها در گرفتن درصوف اولیه و صراشان به عکاس ها که از ایشان عکس بگیرند، بخوبی آشکار بود. با این تمهیدات آقا یان موفق شدند جمعیتی در حدود هزار نفر - که البته بعد مدعی چند هزار نفر شدند - گرد آورند در حالیکه کم و بیش همه میداندند که تعداد مجاهدین در شهرین حداکثره ۷۰ نفر - در شهر دوسلدورف حدود ۱۵۰ نفر و در شهر کلن حدود ۱۰۰ نفر بیشتر نیستند. این واقعیت را در روزها می که در دادگاه نشگاه میز میگذرانند همه به راهی العین دیده اند. در این تظا هرات آقا یان سرهنگ معزی که تصور میکنم تنها تظا می سابق واقعی باشد، سخنرانی کرد ولی چنانچه

لباسی شبیه لباس نظام سابق ایران پوشیده بودند. یکی دریا می - یکسای هوا می - یکی زمینی و یک اونیفورم دیگر که نفهمیدم مربوط به چه نیروئی است. پشت سر آنها یک دسته افراد لباسی شبیه نیروی زمینی و یک دسته لباسی شبیه اونیفورم هافران بتن داشتند. بقول یکی از افسران آشنا که آنها را دیده بود، از نحوه حرکت آنها پیدا بود که نظامی نیستند و نقش نظامی را بسازی میکنند. یک گروه هم با روپوش سفید به عنوان پزشک مف کشیده بودند. بقیه افراد لباس معمولی داشتند. پیشاپیش همه عکس بزرگ زوج رهبری قرار داشت. نکته جالب زیندبازی آقا یان این بود که تعداد فوق العاده زیادی عکسهای کوچکتر زوج رهبری را بصورت پلاکارده تهیه کرده بودند و به دست پناهندگانی که دنبال عکس آنها ختن بعنوان مدرک سیاسی بودند، می دادند. شعاً رزیر عکسها هم به فارسی و آلمانی همه در ستایش آقا ی رجوی و عیال وبسته بودن ناف آنها به نافع ایران بود: "رجوی ایران - ایران رجوی" - انگار که خداوند عالم سرنوشت این مملکت چند هزار ساله را به تارسیل این آقا زاده و همسرش وابسته است که اگر رجوی و مریم خدای بخوانسته پایشان از میان دربرود ایران هم مضمحل خواهد شد. آلمانی ها که علاقه خاصی به کارنا وال دارند، به تماشا می ایستادند برای آنها تماشا می بی تفریحی نبود. یک آدمی که ما سک خمینی زده بود، جلوی جمع ادا در می آورد، یک جمعی با لباسهای زرد و آبی سرخ و کاسکت و یک دسته دختر با روسری های سرخ و جمعیتی با عکسهای سرچوب کرده یک آقا ی سیلوویک خانم روسی بسر حرکت می کردند. فردای تظا هرات با یکی از دوستان آلمانی

که خیرنگار فیلم بردار تلویزیون است در باره پخش خبر تظا هرات آقا یان صحبت می کردم گفت پخش خبر و فیلم تظا هرات برای سازمان مجاهدین خیلی گران تمام شد چون برای هر دقیقه پخش، مبلغ چهل هزار مارک پرداخته اند.

آلمان غربی - یک پناهنده

## نامه پی از سوئد

سردبیر محترم قیام ایران، اینجا نب، در باره مطلبی که در شماره ۱۵۶ هفته نامه کیهان چاپ لندن، چاپ شده بود، بموجب مسئولیت سازمان خود، شرحی به نشریه نامه مبرده نوشتم که متأسفانه از درج آن خودداری کردند. لذا با ارسال عین شرح مذکور تمنی دارم نسبت به درج آن در قیام ایران اقدام فرمائید، موجب مزید امتنان خواهد بود. نورمحمد عسکری

سردبیر محترم کیهان، در شماره ۱۵۶ مورخ ۹ ژوئیه ۱۹۸۷ صفحه ۹ روزنامه کیهان شرحی به امضاء آقا یان پرویز مینوشی - حمیدرضا رضائی - عادل سلیمان درج گردیده بود.

از آنجا که بین اقدام بدون رعایت نظامات سازمانی و بصورت خودسرانه، از سوی نامبردگان صورت گرفته بود، بلافاصله پس از رسیدگی مراتب، برپایه مقررات ناظر بر این نظامات نهضت مقاومت ملی ایران، به مسئولیت و عضویت نامبردگان در نهضت، پایان داده شد.

تمنی است شرح حاضر در نخستین شماره آن روزنامه که به چاپ خواهد رسید، مقرر به درج فرمائید، با سپاس - مسئول شاخه کشوری نهضت مقاومت ملی ایران - نورمحمد عسکری

## سوء قصد نا فرجام

### به جان مسئول نهضت در انگلستان

بقیه از صفحه ۱

ما موران پلیس اسکا تلندیا رد کبی - درنگ برای با رجویی به بالیسن وی رفتند گزارش دادند که جان وی در خطر نیست. فرمانده تیپ ضد تروریستی اسکا تلندیا در به روزنامه نگاران گفت این سوء قصد جنبه سیاسی دارد و احتمال آغا زیک سلسله عملیات تروریستی در لندن را از نظر دور نمی داریم. ساعتی پس از وقوع انفجار رتگه بان انقلاب اسلامی در گفت و گوی تلغنی با خبرنگاری "پرس آوشیشن" مسئولیت انفجار را بر عهده گرفتند و تهدید کردند که ما همه مشروطه طلبان را خواهیم کشت هفته نامه های انگلیسی در شماره های یکشنبه ۱۹ ژوئیه خود هدا دادند که آدمکشان با زگشته اند. آن ها از دولت انگلستان خواستند که اجازه ندهند سلسله سوء قصد های تروریستی سال گذشته پاریس

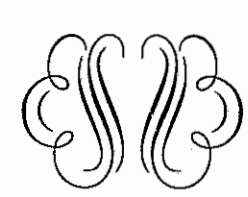
در لندن تکرار شود. خبرنگاری فرانسه در گزارشی که دو شبیه بیستم ژوئیه به سراسر جهان مخابره کرد نوشت: نهضت مقاومت ملی ایران، سازمان مخالف رژیم تهران، که یکی از مسئولان آن در لندن بنا ما میرحسین امیر پرویز شنبه گذشته هدف یک سوء قصد نا فرجام از سوی هواداران رژیم خمینی قرار گرفت، دیروز از دولت انگلستان خواست تا برای حمایت از پناهندگان ایرانی در انگلستان تدا بیرا منیتی اتخاذ گردد. خبرنگاری فرانسه به نقل از خبرنگاری انگلیسی "پرس آوشیشن" می نویسد: یکی از مسئولان نهضت مقاومت ملی ایران شاخه انگلستان از تا چخواست تا سفارت جمهوری اسلامی و دفاتر شرکت نفت ملی ایران در لندن را تعطیل کند. به گفته نهضت مقاومت ملی ایران این مکانها آسیانه تروریست ها بی ست که مخالفان

## سائر روز قیام هیجده تیر

به مناسبت سائر روز قیام ملی هیجده تیر - ما ۱۳۵۹ گروه کثیری از هموطنان ما در تریس، به دعوت نهضت مقاومت ملی ایران شاخه وین، در محل خانه ایران گردیم آمدند و با دجان با ختن این قیام را کرامی داشتند. مراسم بزرگداشت بسا نواختن سرود مرز پر کپه آغا زگردید و سپس یکی از اعضای نهضت مقاومت ملی ایران، ضمن اعلام یک دقیقه سکوت، طی سخنانی به تشریح قیام، غلبه و انگیزه های آن و تاء شیرات و نتایج آن در شکل گیری و اوج با بسی میسارزه میهن پرستان علیه رژیم جمهوری اسلامی پرداخت.



رژیم تهران در انگلستان را مورد حمله قرار می دهند. خبرنگاری فرانسه یادآوری می کند که در انگلستان حدود ۳۰ هزار تن ایرانی بصری برند که ۸ هزار تن از آنان پناهندگی سیاسی دارند. خبرنگاری فرانسه به نقل از یک روزنامه نگار ایرانی می نویسد در حال حاضر حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ تن هوادار خمینی در انگلستان زندگی می کنند که با سفارت جمهوری اسلامی ایران در تماس بوده آماده ارتکاب هرگونه عملیات تروریستی به سود رژیم تهران هستند. به گفته همین روزنامه نگار، شیعیان پاکستان، عراق، عربستان سعودی و بحرین که به دلایل متعدد از رژیم خمینی حمایت می کنند نیز باید به این عده افزوده شوند.





# فرهنگ ایران

محمد جعفر محبوب

## همانندی عناصر داستان سرایی در داستان های ایرانی و سامی

### پرواز کیکاووس و نمرود

نگرنا چه سختی رسید اندران  
دگر باره مهبان دشمن شدی  
منم بودی اکنون برهمن شدی  
این اشتقاها همچنان ادا می یابد  
کاووس نیبزی  
جوابی جز فرود آمدن و تشویر خوردن (= خجالت کشیدن)  
ندارد. سرانجام دلبران او را به شهری بریند و بر تخت  
خود می نشاند. اما کاووس چهل روز در پیش یزدان بسته  
نیایش پرداخت و ز کردار زشت خود که نتیجه قسریست  
ابلیس بودیوش طلبید.  
تنها مطلبی بسیار کوتاه از این داستان باقی مانده  
است که آن را در بخش دوم این گفتار یاد می کنیم.

دومین پرواز زمین گونه زسوی نمرود در روزگار  
پیا مبری حضرت ابراهیم اتفاق افتاد. داستان های  
ابراهیم با نمرود طول و تفصیل بسیار را درود بعضی  
داستان های عوامانه عربی باخرافات بسیار آمیخته شده  
و خود به صورت کتابی در آمده است. بسیار ری آن حوادث  
از موضوع بحث ما خارج است. خلاصه آن که نمرود - که در  
اصل به معنی مرد نیرومند و بسیار قوی است - پس از آن  
که با ابراهیم بسیار ریکوشید، او را به آتش انداخت و  
خواست با دود هلاکش کند و نتوانست سرانجام بدو گفت:  
من چند بار با تو مجادلت کردم، خواستم که تو را عذاب  
کنم تو خود را از عذاب من بیرون آوردی، من با تو  
برابر نیکنم، لیکن با خدای تو حارب کنم و بر او بر نیکنم.  
اگر تومی گویی که خدای آسمان است من خدای زمینم  
و مرا سیاه است و زمین مراست، او اهل زمین قوی تر است.  
من خود بحرب خدای تو روم. ابراهیم برخاست و بیرون  
رفت و گفت بس نادان یا فتم تورا.

آنگاه نمرود بفرمود تا بوسی بسا خنند به چهار رگوشه،  
بندهاش از زردا آفرینهای \* او از مرور آید. آنگاه  
بفرمود تا چهار رگوشه قوی بیا و در بند هفت شبان روز  
ایشان را گرسنه بیا باشند. پس بفرمود تا چهار رگوشه  
(= حیوان پوست کنده) نیکو از چهار رگوشه تخت  
بیا و بیخند، چوبهای دراز را خنند، و آن چهار رگوشه را  
از چهار رگوشه تخت بر بستانند، تا آن که رگوشه بدن  
می نگریستند و آهنگ گوسشت می کردند و تا بوت را بر داشتند  
و نمرود با وزیر در تا بوت نشسته بود با تیر و کمان  
چون تا بوت بپوای بر رفت و آن که رگوشه بدن  
بر آمدند که جهان به چشم ایشان چون کلوخی می دیدند.  
نمرود گفت هنوز ما تده است تا به جایگاه رسیم. باره  
دیگر بر آمدند. گفت بنگر تا چه بینی؟ وزیر گفت جهان  
چون دودی می بینم نه چرخونه مگر \* نمرود گفت  
اکنون به جایگاه رسیدیم تا دست پیش کنیم تا خدای  
ابراهم بر ما حمله نکند. تیر به کمان نهاد و بر انداخت.  
هم در ساعت تیر خون آلود با ز مدویه تا بوت در افتاد.

اینجا دوروایت است: کلبی گوید حق تعالی جبریل را  
بفرستاد تا آن تیر را بدریا برد و به شکم می در زد تا تیر  
خون آلود شد، آنگاه در تا بوت انداخت. حق تعالی  
دانست که گمراه است تا در گمراهی می باشد. و گویند  
خود به قدرت خویش خون آلود کرد و در تا بوت افتاد.  
ما می را گناهی نبود که تیر کا فری در شکم می بیگناهی  
زدی. و گفته اند تیر را آن روی به ما می خون آلود کرد  
تا کشتن ما می حرا شد و به سبب آن کار را ما می برخاست.  
و بعضی گفته اند که تیر را زگشت و بر نمرود در آمد. و آن را  
پنجه کرد و پدید نکرد. چون با ز آمد خلق را دیگر گونه  
یا فت. گفت من خدای آسمان را بکشتم.  
و در قه چنین آمده است که از آن قومیا نصد هزار مرد دل از  
نمرود برگردانیده بودند و به ابراهیم میل کرده بودند.  
چون نمرود گفت که من خدای آسمان را بکشتم و تیر  
خون آلود بنمود ایشان پنداشتند که راست می گویند  
همه کار شدند.

آن گاه ابراهیم نزدیک نمرود آمد و گفت مسلمان شو که  
تومی دانی که آنچه می گوئی می کنی دروغ است.  
گفت اگر دروغ می گویم که بحرب آید و نمرود او را نکشتم  
و سیا به پیش من نفرستاد، گویند. بگفت بگسرو،  
نگرید. جبریل آمد و گفت یا ابراهیم نمرود را بگوی که  
سیاه ساخته کن که خدا و ندمن سیا می فرستد.  
ابراهیم نمرود را بگفت. نمرود گفت اگر فرستد هر گونه  
که خواهم مرا هست، جبریل آمد و گفت یا ابراهیم بگوی  
که ضعیف ترین سیا می فرستد و آن پشه است. نمرود  
گفت پشه سیا ها و است؟ گفت آری. گفت سیا می ضعیف  
است، باک ندا رم، اکنون بفرمایم تا هر چه پشه است  
همه را بکشند. چهل روز بر آمد حق سبحا نه و تعالی پشه را  
بفرستاد تا او سیا هس همه هلاک شدند.

این داستان را از قصص الانبیاء ابواسحاق نیشابوری  
که آن را در غایت اختصار آورده است نقل کردیم، لیکن  
هیچ تفسیری از قرآن کریم نیست که به گناهی نمرود را، به  
تنا سب تفصیل یا اختصار آن تفسیر این داستان را ننویسد.  
تا نمرود در قرآن کریم تپا مده است، لیکن همه مفسران  
عقیده دارند آن کس که ابراهیم را سوختن فرمود و به  
آسمان بر شد و سرانجام میرا ثرنیش پشه ای که در بینی او  
رفته بود هلاک گشت، نمرود است. با آن که جزئیات  
داستان نمرود در منابع ما نیا مده است، با این حال  
بعضی همانندی ها و برخی اختلاف ها میان این دو پرواز  
بی پرواز وجود دارد و حال آن که اصل قصه یکی است و آن مدد  
گرفتن از برندگان قوی بال و تیز پرواز برای برداشتن

یکی کارماندست کاندرجهان  
نشان نهر گزنگردند نهان  
چه داردمی آفتاب ارتو راز  
که چون گرددا ندر نشیب و فراز؟  
گونه است ماه و شب و روز چیست  
بر این گردنی جرخ با لاریکست؟  
دل شاه از آن دیوی راه شد  
روانش ز اندیشه کوتاه شد  
اگریم کاووس را بدن می خواند که به آسمان بر شود  
را ز کردش خورشید و ماه و فرا ز آمدن شب و روز را بجوید  
و چون در زمین دیگر هیچ کاری نمائند است که هست  
شاهان به اندام آن بپردازد، به شراست که به در نیبال  
با زجستن را ز سپهر برود. کاووس روزگاری در این  
اندیشه می گذرانید و با اخترش را ن به راهی زنیسی  
می نشیند:

زدا نندگان بس برسید شاه  
کز این خاک جندا ست تا جرخ ماه  
ستاره سمر گفت و خورشید  
یکی کزونا خوب چاره گزید  
بفرمود پس تا به هنگام خواب  
برفتند سوی نشیم عقاب  
از آن بجه بسیار برداشتند  
به هر خانه ای بر، دو بگذاشتند  
همی پرورانیدشان سال و ماه  
بمرغ و بگوشه بره چندگاه  
جو نیرو گرفتند هر یک جوشی  
بدان سان که فرم آوردند زیر  
ز عود قماری یکی تخت کرد  
سرد زها را بزر سخت کرد  
به پهلوش بر، نیزه های دراز  
بست و بر آن گونه بر کرد ساز  
بیا و بخت از نیزه را ن بهره  
ببست اندرانند به دل یکسره  
از آن بس عقاب دلاور چهار  
بیا و بر تخت بنیست استوار  
نشست از بر تخت کاوس شاه  
که اهریمنش برده بددل ز راه

جوشد گرسنه تیز تران عقاب  
سوی کوشد کردنده هر یک شتاب  
ز روی زمین تخت برداشتند  
زها مون با بر اندران فرشتند  
پایان چنین چاره گزینی "کزونا خوب" مصیبت آمیز  
است. عقابان تا جایی که تا بتوان داشتند برای  
رسیدن به گوشه پرواز زگردید، اما سرانجام  
جواب مرغ برنده تیر و نمانند

غمی گشت و پرها به خوی در نشاند  
نگونسا رگمتند ز ابر سیاه  
کنا ن بر زمین از هوا تخت شاه  
سوی بیشه "شیرچین" آمدند  
با مل بروی زمین آمدند  
داستان پرواز موقت کاووس به همین جا پایان می یابد.  
فردوسی هیچ گزارش از آنچه کاووس در سفرها می نمود  
دید، با از فرا ز آسمان زمین را چگونه یافت نمی دهد.  
فقط می گوید که اگر پروردگار روی را تپا به یگرد از آن بود  
که هنوز سیا و شا و در وجود دنیا مده بود و مقدر چنین بود که  
این فرزند تیر و مند، اما نگون بخت و نا کام زوی دو وجود  
آید.

حالی کاووس از این سفر جز خواری و پشیمانی نبود. به  
گفته فردوسی وی خود:  
بمانده به پیشه درون زار و خوار  
نیایش همی کرد با کردگار  
تپایش همی کرد با کردگار

از سوی دیگر رستم و دیگر پهلوانان سیا چون از این  
ما جرای چون آ میز خبریافتند، از زهر سوی به جستجوی  
شا و ابران بر آمدند. داور پهلوانان در باره روش و  
منش کاووس و نیز اشتقا دهایی شدیدی که در برابرش از او  
می کنند عبرت آموز خوانندنی است:  
همی کرد (= کاووس) پوزش ز بهر گناه  
مرا و راهی جست هر سو سپاه  
خبر یافت زورستم و گویو و طوس  
برفتند با لشکری گشن (= انبوه) و کوس  
به رستم چنین گفت گودرز پسر  
که تا کرد ما در مرا سیرشیر  
همی بینم اندرجهان تاج و تخت  
کیان و بزرگان بیدار بخت  
جو کاوس نشنیدم اندرجهان  
نه دیدم کس از که تران و مهبان  
خرد نیست او را، نه دانش نه رای  
نه هوش به جای است و نه دل به جای  
رسیدند بس پهلوانان بدوی  
نکوهش گرو تیز و بر رخاش جوی  
بدو گفت گودرز بیما رستان  
ترا جای، زبیا ترا ز رستان  
به دشمن دهی هر زمان جایی خویش  
نگویی به کس بیخده رای خویش  
سه یارت چنین رنج سختی فتاد  
سرت از ما پیش نگشت استاد  
کشیدی سیه را بمان ز نندگان

در شماره پیشین قیام ایران در باره همانندی عناصر  
داستان های سامی و داستان های ایرانی گفتگویی کلی  
داشتیم و سپس یکی از موارد آن را به عنوان نمونه با  
خوانندگان گرامی در میان گذاشتیم. این بار نیز یکی  
از نمونه های زیبای این همانندی را که مربوط به  
داستان های پرواز است، ما می آوریم. در  
داستان های پرواز که اکنون خواهیم دید، به تیر و روشن تر  
نشان داده شده است که چگونه از این عنصر اندیشه و  
آرزوی پرواز - به علل و با هدف های گوناگون استفاده  
شده است.

کی کاووس، یکی از پادشاهان مقتدر و نامدار در دوران  
حسامی است. وی در اوستا و شاهنامه فردوسی شاه است  
تند خوی و آتشین مزاج و دمدمی و گاه بی خرد. اما همین  
شخصیت در حماسه بزرگ هندی - مهابهارت - به صورت  
برهمنی با قوای روحانی فوق العاده و کامیونیر و های  
ماورای طبیعی تصویر شده است. همین صفت کاووس،  
موجب پدید آمدن داستان های بسیار رشورا نگیز حماسی  
در تاریخ داستان های ایران شده است. رفتن وی به  
مازندران و افتادن به بند دیوسید و کور شدن وی به  
چادوی آن دیو، هفت خان رستم، جنگ رستم و دیوسید،  
رفتن به ها ماوران و به زنی گرفتن سودا به دختر شاه  
ها ماوران که سرانجام منجر به عشق نا فرجام سودا به  
برسیا و ش پسر کاووس و کشته شدن آن شاه زاده بی گناه و  
نیکو خصال شد، و نیز داستان رستم و سپهراب و جنگ آن دو،  
همه در دوران فرمانروایی کی کاووس اتفاق افتاد.  
اما این داستان که خلاصه آن را در این گفتار می آوریم  
کمتر از دیگر داستان های روزگار کاووس شهرت دارد:  
کی کاووس پس از نبرد با تمام سرکشان و شاهان اطراف و  
سرانجام با آفراسیاب و پیروزی یافتن بر همه آنان  
به سوی پارس با زکشت و بساط داد و بگشتاد و رگوشه  
کشور را به پهلوانی سپرد و لشکری بدو داد تا مملکت را  
آبادان و مردم را آسوده بدارند.

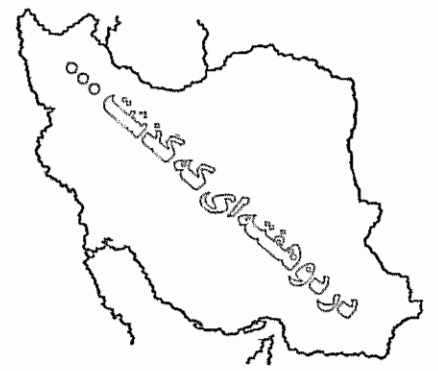
ز بس گنج و زیبایی و فری  
یری و دودا مگشتش زهی (= بنده)  
جهان پهلوانی به رستم سید  
همه روزگار بهی زو شمرد  
سپس برای نشاط و کامرانی، و نیز از فرودن بر شکوه  
سلطنت خویش در آلبرز کوه دستگای گفت بی افکنند.  
نخست به دیوان بفرمود تا دو خا نه در سنگی خا را بکنند که  
طول هر یک به اندازه ده گمندان شود و آن خانه ها  
آخورهای درسنگ برای اسبان و اشتران بیا را بپند.

دو خانه دگر با بگینه بساخت  
ز بر خد به هر جای اندر نشاخت (= نشاند)  
چنان ساخت جای خرام و خورش  
که تن باید از خوردنی پرورش  
دو خانه ز بهر سلج نبرد  
بفرمود کز نقره خام کرد  
یکی کاخ زرین ز بهر نشست  
بر آورد و با لاش داده دوشست  
نبودی تموز ایچ پیدا زوی  
هوا غنیرین بود و با را نش می

با یوانش یا قوت برده به کار  
زیروزه کرده ترا و تر، نگار  
همه ساله روشن بهاران بسدی  
کلان چون رخ گساران بُدی  
ز درد و غم و رنج دل دور بود  
بدی را تن دیورنج و ریبود  
بخواب اندر آمد بد روزگار  
ز خوبی و از دایه مسوزگار

اما هیچ گلی بی خار نیست، آسایش و آرامش مردم ما به  
در دورنج دیوان شده بود. آنان نمی توانستند آدمیان  
را در شاهمانی و شاه خوار بی بینند. از این روی ابلیس  
روزی انجمنی از دیوان برای چاره جویی در دورنج  
ایشان فراهم آورد:  
به دیوان چنین گفت کاووس روزگار  
به رنج و به سختی است با شهریار  
یکی دیو باید کنون، نغز دست  
که داند ز هر گونه رای و نشست  
شود جان کاووس بی ره کند  
به دیوان بر، این رنج کوتاه کند  
بگرداندش سر زیزدان پاک  
فتا ندر آن فز زبیاش خاک  
شنیدند و بر دل گرفتند یاد  
کس از بیم کاوس با سخ نداد  
یکی دیو ز خیم بریای خاست  
چنین گفت کین جرب دستی مراست  
غلامی بیسار است از خوبیستن \*  
سخن گوی و شاه یستنه، انجمن  
همی بود تا یک زمان شهریار  
ز پهلویرون شد ز بهر شکار  
بیا مد بر او زمین بوس داد  
یکی دسته گل به کاوس داد  
چنین گفت کاین فز زبیا تو  
همی جرخ گردان سزد جای تو  
به کام تو شد روی گیتی همه  
شمانی و گردنگشان چون رمه





دوشنبه ۱۵ تیر

ها همی رفسنجانی طی سخنانی درسمینار نیروی زمینی درتهران، دوبا ره هشدار داد که گرفتار کش های خارجی با پرچم آمریکا نمی درخلیج فارس حرکت کنند، جمهوری اسلامی درحمله به آنها درنگ نخواهد کرد.

سه شنبه ۱۶ تیر

نخست وزیرفرانسه درمباحثه با روزنامه لوموند دربارا ره اقدام های که فرانسه درنظر دارد درارتباط با ماجرای وحید گرجی بعمل آورد، گفت: اقدام های گوناگون تا قطع روابط دیپلماتیک را درنظر داریم. وی افزود: من معتقدم مذاکره با کسانی که تعهدات و قوا عهد بین المللی را رعایت نمی کنند بی فایده است.

چهارشنبه ۱۷ تیر

محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران طی مصاحبه ای درتلویزیون جمهوری اسلامی اعلام کرد که مذاکرات خلیج فارس درآینده نزدیک یک مانور عملیاتی انتحاری دردریای عمان، تنگه هرمز و خلیج فارس انجام خواهد داد.

پنجشنبه ۱۸ تیر

سختگوی نخست وئیری فرانسه با ریدیکر تا کیدکردما تسلیم باج خواهی نخواهیم شد و وحید گرجی مترجم سفارت جمهوری اسلامی درپاریس با ییدنزدبا پرسس حضوریا بدویه پرسس های وی با سخگوید، وی افزود دولت فرانسه، پاره ای از اعضاء سفارت فرانسه درتهران را تشویق کرده است که به فرانسه بازگردند.

جمعه ۱۹ تیر

ها همی رفسنجانی اعلام کرد جمهوری اسلامی درنظر ندارد روابط سیاسی خود را با فرانسه با انگلستان قطع کند، مگر آنکه این کشورها دراین راه پیشقدم شوند. وی که پس از پایان جلسه شورای عالی دفاع سخن می گفت افزود: ما نمی خواهیم مسأله را پیچیده ترکنیم ولی جمهوری اسلامی درقطع روابط با کشورهای امیریا لیبی چیزی از دست نخواهد داد. وی گفت: دراعمال نمایندگان فرانسه نمونه های متعددی ازکارهای خلاف مقررات سیاسی از جمله جاسوسی، قاچاق و تماس با مخالفان رژیم اسلامی وجود دارد و جمهوری اسلامی همیشه ما یل بوده است که حضورسیاسی کشورهای استعمارگر را در ایران به حداقل کاهش دهد.

شنبه ۲۰ تیر

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، هواپیما های عراقی، اطراف سردشت واقع درکردستان ایران را بمباران کردند که در نتیجه تعداد زیادی از اهالی غیرنظامی کشته یا زخمی شدند، هواپیما های عراقی درروز ۷ تیرماه گذشته نیز سردشت را با سلاح های شیمیایی مورد حمله قرار دادند که ۶۰ کشته و تعداد زیادی مجروح بجا نهاد.

یکشنبه ۲۱ تیر

جمدان یک دیپلمات جمهوری اسلامی بنام محسن امین زاده دربخش فرانسوی گمرک فرودگاه ژنوموردبا زرسی قرار گرفت، دراین بار زرسی مداخله محرمانه و رسوا کنندهای دربارا ره رژیم خمینی بدست آمد. عکس برداری ما مورا ناژا بین مدارک باعث عصبانیت دیپلمات جمهوری اسلامی و ایجاد جنجال در فرودگاه ژنومورد گردید.

دوشنبه ۲۲ تیر

آندره ژیرو وزیر دفاع فرانسه، امروز اعلام کرد که یک کشتی باری فرانسوی به نام ویل دان ورس " که از کویوت رهسپار بحرین بود، نیمه شب گذشته هدف ناوچه های ناشناس درخلیج فارس قرار گرفت و توسط آتشبارها و مسلسل ها به گلوله بسته شد. وزیر دفاع فرانسه افزود فکر نمی کند این حمله به کشتی با ریس - تهران بر سر سفارت خانه های بریطی داشته باشد، ولی نمی توان این احتمال را کاملاً نظر دور داشت.

سه شنبه ۲۳ تیر

ساعاتی پس از مصاحبه تلویزیونی فرانسوا میتران که تا کید کرده بود از نظر مقامات قضائی فرانسه وحید گرجی در

را بطه با سوء قصد های یا شیز گذشته پا ریس درمظان اتهام است و با یسد مورد با زجوتی قرار گیرد، دادستان دادگاه انقلاب اسلامی تهران، کنسول فرانسه در ایران، ژان پل توری را به اتهام جاسوسی، کمک به ضد انقلابیون فراری و شرکت در شبکه های قاچاق مواد مخدر، از رزومعتیقه جات به دادگاه انقلاب احضار کرد. در همین حال وزارت خارجه فرانسه در بیانیهای، اتهامات وارد علیه ژان پل توری را رد کرد و اعلام داشت که جمهوری اسلامی درصدا بجاد "وجهت شائبه" مصنوعی در ارتباط قضیه وحید گرجی است.

چهارشنبه ۲۴ تیر

محسن امین زاده دیپلمات جمهوری اسلامی که در فرودگاه ژنومورد ضرب و شتم پلیس در بخش فرانسوی فرودگاه ژنومورد را گرفته بود، شب گذشته با یک هواپیما ی ایران از ژنومورد به سوی تهران ترک گفت، امین زاده در فرودگاه پرووی برانکار حالت بیما رگونه یی داشت و دچار لرزه های تشنج بود، اما پزشکان بیما رستان اظهار داشتند که دیپلمات خمینی کمدی با زی می کند، زیرا در بیما رستان حالش خوب بود.

پنجشنبه ۲۵ تیر

پلیس فرانسه مانع خروج ۱۱۳ ایرانی از خاک فرانسه شد. این سیزده تن از جمله ۳ دیپلمات سفارت جمهوری اسلامی می خواستند از مرز زمینی از خاک فرانسه خارج شوند ولی پلیس مانع خروج آنها شد. پلیس این عده را به پاریس بازگرداند.

جمعه ۲۶ تیر

بدنبال تهدید رژیم خمینی مبنی بر قطع روابط با فرانسه در صورت ادامه محاصره سفارت خانه های در پاریس، دولت فرانسه عملیات محاصره سفارت جمهوری اسلامی را پیش از پیش گسترش داد. به گزارش خبرگزاری فرانسه از نیمه شب، توموبیل های متعدد پلیس با تجهیزات قابل ملاحظه و نورافکن های قوی محاصره سفارت خانه جمهوری اسلامی را تحکیم کرد و سرانسر خیابان "ینا" و کوچه های مجاور را بر رفت و آمد وسایل نقلیه بست و نزدیک شدن مرا جمعه کنندگان به سفارت خانه را ممنوع کرد. به رغم ولتیم ۲۲ تا عتسه رژیم تهران، تغییر درام موربیت پلیس بوجود نیامده و آنها کماکان دستور دادند وحید گرجی را برای بازجوئشی تحویل مقامات قضائی دهند. ساعت سیزده امروز دولت فرانسه پیش دستی کرد و روابط با رژیم جمهوری اسلامی

قطع کرد و دیپلمات های جمهوری اسلامی ۵ روز مهلت داد که خاک این کشور را ترک کنند. شش ساعت پس از صدور اعلامیه رسمی وزارت خارجه فرانسه، رژیم تهران، بدون اشاره به تصمیم پاریس اعلام کرد روابط خود را با فرانسه قطع می کند.

شنبه ۲۷ تیر

علی اکبر محتشمی وزیر کشور جمهوری اسلامی دیروز تمام اعضای سفارت فرانسه در تهران را به جاسوسی متهم کرد و اعلام کرد پلیس، سفارت فرانسه را در محاصره گرفته است تا دیپلمات های فرانسوی را بازداشت کند و آنها را تحویل دادگاه دهد.

وی افزود رژیم تهران اجازه نخواهد داد که یک عده زیر پوشش دیپلماتیک به عملیات جاسوسی و جاسوس گردست بزنند.

یکشنبه ۲۸ تیر

وزیر خارجه فرانسه در یک مصاحبه تلویزیونی اعلام کرد که دولت فرانسه دربارا ره وحید گرجی مذاکره نخواهد کرد و نامبرده باید از ما "در برابر دادسرای پاریس بیرون من سوء قصد های تئوریستی یا شیز گذشته فرانسه مورد بازجوئی قرار گیرد.

در همین حال به گفته میر حسین موسوی، جمهوری اسلامی از پاکستان تقاضا کرده است که حافظ منافع ایران در فرانسه باشد.

سید علی خامنه ای طی سخنانی در تبریز، طرح شورای امنیت دربارا ره ختم جنگ ایران و عراق را رد کرد. وی با ردیگرنا وگان جنگی آمریکا را تهدید کرد که چنانچه او را درخلیج فارس شونند، در تیررس نیروهای رژیم اسلامی قرار خواهد گرفت.

دوشنبه ۲۹ تیر

۱۵ کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد برای تصویب نهائی طرح ۵ عضدائی شورای امنیت دربارا ره پایدان دادن به جنگ ایران و عراق تشکیل جلسه دادند.

شیخ سعد آل عبداللہ السالم لصباح ولیعهد ونخست وزیر کویت اعلام کرد که کویت به هرگونه حمله جمهوری اسلامی علیه نفتکش های کویتی یا خارجی در آب های ساحلی کویت به فوریت پاسخ خواهد داد. وی دربارا ره احتمال حمله جمهوری اسلامی به یکی از ایاز زده نفتکش کویتی که زیر پرچم آمریکا قرار خواهد گرفت گفت: تردید ندارد که آمریکا ایها از پرچم شان دفاع خواهد کرد.

همانندی عناصر داستان سرایی در داستان های ایرانی و سامی

پرواز کیکاووس و نمرود

آدمی به آسمان است، مسافر هوایی نیز بر تختی (کی کاووس) یا در تابوتی (تابوت دراصل به معنی جعبه و محفظه است) می نشیند و مرغان به بوی (= به آرزوی) رسیدن به طعمه به پرواز می آیند و چون هرگز بدان نمی رسند، تخت یا تابوت را با مسافریا مسافران برمی دارند و به آسمان می برند. درزهای هردو وسیله پرواز را به زرسخت کرده اند. اما تابوت نمرود را ای طارمی های مروارید نشان است. پرنده گان در داستان کی کاووس عقاب - مرغ شکاری - و در قصه پرواز نمرود، کرکس، مرغ مردارخوان انتخاب شده است. کاووس خود به تنهایی به آسمان می رود، اما نمرود وزیر خویش را نیز با خود برمی دارد. نیز در قصه نمرود گفته شده است که وی بارها از وزیر بر سر زمین را در زیر پای خویش چگونه می بیند و گویی درانتظار آن بود که به ارتفاع خاصی برسد و در آن جا جنگ با خدای ابراهیم را آغاز کند، اما کاووس بنا بر آنچه از آغا زداستان، و ما جرای فریخته شدن او به آفسون ابلیس برمی آید، برای گشودن را از سپهر بدین سفر رفت. با این حال، حکیم طوس پس از شرح بر فلک رفتن کاووس فرماید: شنیدم که کاووس شد بر فلک همی رفت تا برسد بر ملک دگر گفت از آن رفت بر آسمان که تا جنگ سازد بتیر و کمان ز هر گونه ای هست آواز این ندا ندب جزیر خرد را ز این بریدند بسیار رومانند باز چنین باشد آنکس که گیردش از ناله را "مطلبی از نوع جنگ ساختن" کاووس به تیر و کمان، تحت تأثیر افسانه نمرود در داستان کاووس راه

یافته و اصلتی ندارد. اما اختلاف های بسیار مهم تردرا این دوداستان وجود دارد: نتیجه سفر کاووس بسیار درست تر، و بیشتر موافق عقل و استدلال است، یعنی عقاب ها برای رسیدن به طعمه خویش چندان که می توانند پرواز می کنند تا جایی که پروا نشان از کار می افتد و تختر کاووس و زگون می شود. بهانه کشته شدن او نیز این است که مقدر بوده است سیاه و شازا و در وجود آید. در سفر نمرود، نشانی از سقوط نیست، او به آسمان می رود و با زمی گردد چنان که گویی اختیار صعود و نزول کرکس در دست اوست و مرغان به فرمان وی هستند. در تفسیرهایی که داستان را بشرح تریا ز گفته اند، فرود آمدن نمرود چنین توجیه شده است که وی در هنگام برخاستن به آسمان طعمه کرکس را به میله یا نیزه ای بر بالای سرایشان آویخت و چون آهنگ فرود آمدن کرد وزیر را گفت تا نیزه ها را و زگون کند و طعمه ها را در زیر پای کرکس قرار دهد. بدین ترتیب مرغان آسمان فرود آمدند. گذشته از این نتیجه ای که حکیم طوس از داستان پرواز کاووس می گیرد بسیار معقول و طبیعی است. کاووس در کار خود شکست خورده و از بلند پروازی خویش پشیمان شده و به درگاه وایزده نیایش ایستاده و عذرگنا هسان خویش را می خواهد: چهل روز برایش یزدان به سای بیمود خاک و بپرداخت جای همی ریخت از دیدگان آب زرد همی از جهان آفرین یاد کرد ز شرم از در کاخ بیرون نرفت همی پوست گفتمی بر او بر، بگفت (= پاره شد)

پشیمان شد و در دگر بگردید و رنج نهاد به خشد بسیار رکنج... همی رخ بمالید بر تیره خاک نیایش کنان پیش یزدان پاک جو بگذشت یک چند گریان چنین بخشود بروی جهان آفرین یکی داد و نوساخت اندر جهان که تا بنده تدبیر کنان و مهران... نتیجه ای که نمرود از پرواز خویش می گیرد کلا "به عکس این است، گفته اند که او آسمان تیری خون آلود باز آورد، و در قصه چنین آمده است که از آن قوم (= قوم نمرود) پا نصد هزار مرد دل از نمرود برگردانیده بودند و به ابراهیم میل کرده بودند. چون نمرود گفت که من خدای آسمان را بکشم، و تیری خون آلود بنمود، ایشان بنده شدند که راست می گوید و همه کافر شدند. در داستان های ادبی با عوامانه، بسیاری راه های خیالی دیگر نیز برای پرواز زدان آدمیان یافته شده است. نویسنده این سطور در گفتاری مقلد کوشیده است تا این راه ها را بررسی کند. این گفتار در مجله "ایران نامه" چاپ و اشینگتن در زیر عنوان "بویه پرواز" انتشار یافته است.

یعنی خود را به صورت نوجوانی برآراست. معنی اصلی غلام، پسرانی است که در سال های نوجوانی و جوانی با شاد و جمع آن غلمان است. دارا قزین: تکیه گاه، طارمی \*\*\* خنجر به دوفتح: سنگ، مکر به فتح اول و دوم: کلوخ و نیزه و روستا را گویند.









ایران را در مجامع بین المللی فاتح کرد و مورد تأیید ما بوده ( تیمورتاش : در زمان خودش ) در هر موقع که این عمل بشود بر این دوره سه ساله ای که متعلق به مردم ایران است به هیچ وجه شایسته به ادوار منحوس تاریخ ما ندارد ( ... جنجال ، همه هم ... فریاد دهنده ای تاریخ ایران موجب افتخار است چرا توهین می کنید ... پس از بیان جنجال ) دوره جنگ زدوره منحوس است ، جنگ زدوره سیاهی است . در هر دوره هم کارهای خوب می شود آن قسمت که مربوط به نهضت مقدس ملت ایران است و در هر عهد و زمان با شدم همیشه مقدس است و تمام طبقات با پدید آمدن آستان از این نهضت پیروی کنند ( ۷ ) .

### از جلسه بیستم

دکتر مصدق : ریاست محترم دادگاه : تیمسار سر تیب دادستان در دادگاه هیدوی از این سیاست پیروی می کرد که دادستان را تهدید کند و در آن ورثیس دادگاه از نظر جلوی گیری کننده تا من نتوانم جواب بیا تا ت بی مدرک ورا در دادگاه عرض نمایم . به این طریق موفق شد که حکم محکومیت مرا از آن دادگاه صادر کند ولی در این حکم دادگاه رئیس هست که غیر از رعایت قانون دادرس است ارتش و مقررات دادگاه به توجهی به حرفهای تیمسار سر تیب دادستان نمی کند . دادستان از این جهت که نمی تواند جلوی گیری از نظر من که هیچ وقت برخلاف مصالح مملکت نه در این دادگاه بلکه در هیچ کجا نگردم و جلوی گیری کند متاثر است . تیمسار سر تیب دادستان بر طبق آئین دادرس آنچرا که توانست گفت و هر بنا سزا شایسته که می دانست نسبت به من اظهار نمود . من از نظر این که یک زندانی هستم و یک فرد بی کسی هستم که در این زندان بسر می برم تا مگر گفته های او را تحمل کردم و آنچرا که ریاست محترم دادگاه فرمودید به آن عمل نمودم . فرمودید سنگیم سر تیب آزوده گفتم تیمسار سر تیب دادستان ( ۸ ) آنچرا شما در این دادگاه گفته اید من تمام بیاناتتان را نصب العین خود قرار داده ام . حرف دادستان تمام شد نسبت به آخرین دفاع رسید . منم به طوری که فرمودید مثال فرمودید اگر شما منم فرود می خواد شده شود مستقیما نسبت به یک متهمی اثری ندارد آنچه عرض کرده ام مطابق نظریات دادگاه بوده است . البته در دادگاه ها باید حقیقت گفته شود . موقعی که دیروز بعضی رسا ندیم که در این اواخر معمول شده است ( زنگ رئیس : مربوط به دادگاه نیست ) . دکتر مصدق : آجازه نمی دهید چشم . من شرح وقایع دیروز را در تمام قیامی دهم نمی گذارید پس خوب . بنده دفاعی ندا رم بکنم . هیچ عرضی ندا رم هر کاری می خواد هی بد کنید . رئیس دادگاه : آقای دکتر مصدق شما آزاده هستید که در مورد سیزده ماده مورد ادعای دادستان ارتش هر دفا عی که دادید بکنید . بر فرض اینکه کسی در دستگاه انتظامی مورد تعقیب قرار گرفته است تنبیهی به حق یا ناقص در باره او اجراء شده مربوط به آقایان متهمین حاضر در این دادگاه نیست . آنچه مورد ادعای دادستان ارتش بوده در اطراف هر یک از آن مواد و پرونده های متوالی سخن بگویید دادگاه حاضر است استماع نماید ولی خارج شدن از موضوع و تنقید کردن بحق یا ناقص از هیچ کس و هیچ مقامی که مربوط به این مقام شما شده مورد ندارد . چنانچه دیروز هم تذکر دادیم اینکه در قانون نوشته شده متهم آزاد است هر چه را برای دفاع خود مفید میداند بگوید با توجه به کلمه متهم و دفاع مسلم است که منظور قانونگذاران این بوده آنچرا که متهم برای دفاع در محضر دادگاه به بیسار می کند مربوط به آنها می باشد . حسن یا تقی چرا و کیل نشده اند رسیدگی به این امر مربوط به دادگاه نیست ربطی همه به آنها می که به شما وارد رسا خته و مورد ادعای تیمسار دادستان ارتش است ندارد .

هیئت دادگاه برای این تشکیل نشده که بشنود و تحقیق کند چرا بعضی ها در این دوره مجلس انتخاب شده اند و عده ای نشده اند . دادگاه برای این نیست که ببیند و رسیدگی کند که آیا منزل شما را که مدعی هستید کسی برده است ؟ صراحتا " می گویم که اگر چندین روز هم در مورد آنها مات ۱۲ گانه سخنی بفرما بید که مربوط به آن آنها مات باشد ما حاضریم استماع کنیم . اینک با توجه به این مراتب به دفاع خود ادامه دهید . مجلسی دیروز عنوان کردید ، دیگر تجدید عنوان آن مطلب که دکتر مصدق : چه شده بنده آن مطلب را در این دادگاه عرض کردم چون مذاکراتی که در دادگاه می شود مربوط به مذاکراتی است که قبلا شده است . بنده عرض کردم

که ما دو جور دولت داریم یکی دولت صورتا " مستقل و دیگر معنا " مستقل و تیمسار گفت مرگ بر مصدق . روی این اصل بنده لازم شد عرض کنم که جریان استقلال ما از چه قرار است . اگر عرض نمی کردم و اگر توضیح نمی دادم مردم مملکت ما یک خائنی تصور می کردند من تا چار بودم که عرض بکنم : تا ملتی ندانند که مستقل نیست هیچ وقت برای استقلال خود قدمی بر نمی دارد . اگر یک چنین عرضی که مربوط به آن بیانات ایشان و مرگ بر مصدق است نیست البته بنده هر چه عرض کرده ام بیجا و بی مورد عرض کرده ام ولی اگر هست و اگر صلاح مملکت در این بوده که آن نظریاتی که عرض کرده ام تا توضیح بدهم تا هموطنانم آگاه شوند در این صورت ایشان حق نداشته برخلاف قانون برخیزند و بین عرایض بنده پیشنهادی در جلسه سری کنند و امروز هم درنا مه خود دلایل سری بودن جلسه را که یک فرد از افراد این مملکت قبول نمی کند بنویسد و در این دادگاه قرا ت شود . ریاست محترم دادگاه یکی از چیزهایی که برای وقایع روز ۲۵ تا ۲۸ مرداد دلازم بود تحقیقات از شاخه ای بود که شب ۲۵ مرتکب آن عملیات شده اند . اگر بفرما بید که آن عملیات در وقت ۲۵ - ۲۸ مرداد می شده است فرمایید بر خلاف آنصواب فرموده اید . دادگاه نخواست همان طوری که سر تیب سیاسی احضار شد و تحقیقاتی از او بعمل آید از آن اشخاص

همه سئوالاتی بشود و آنها بگویند برای چی و به حکم کسی ، قانون اساسی و قانون مجازات عمومی را نقض کردند . ریاست محترم دادگاه : من با لصراحه عرض می کنم که من کسی نیستم که اگر دادگاه رسیدگی کند از عرض حق سابق خودداری کنم من با یحقا یق را به عرض دادگاه برسانم و دادگاه آزاد است که به عرایض من ترتیب اثر بدهد یا نه . اگر من آزاد می دفاع می دهم یا نه خود دفاع می کنم و اگر نمی دهم بر طبق ماده ۱۹۴ که می گوید متهم آزاد است در دفاع خود هر چه می خواد بگوید و حق خود را می نشینم ، اما چه می شود در این صورت که ما در دفاع خود دفاع کنیم و بعد از آن مبارک را ما در فرما بید . بنده امر دادگاه را اجرا می کنم ، من صاف و صریح عرض می کنم ممکن نیست در دادگاه هی که ما کلمه می شوم از خود دفاع بکنم . اگر حرفی ، عرضی برخلاف مصالح مملکت گفتیم آن وقت آن مرد سر ما با آن کیفش داغون کند چالا که اسلحه دستش نیست . صاف و پوست کنده می نشینم و یک کلام از خود دفاع نمی کنم و حکمی را که ما درمی کشید اگر خود ما زوری اجبار نخواهیم ما عریین اجراء می کنیم . رئیس دادگاه : مکرر در مکرر در تمام جلسات گفتیم که متهمین در دفاع خود در دادگاه آزاد هستند ، امروز هم بطور مشروح تذکر دادیم شما در دفاع آزاد هستید . یعنی هر چه دفاع می کنید باید مربوط به مورد اتهام باشد و کسی یا شخصی یا مقامی توهین نشود . اینک برای آخرین دفعه به حکم قانون تکلیف می کنم که هر چه برای دفاع خود از آنها ما مورد ادعای تیمسار دادستان ارتش لازم می دانید بیان فرمایید و در صورتی که از دفاع استنکاف کنید دادگاه به وظیفه خود عمل خواهد نمود . ( قرا ت تذکر قبلی بوسیله منشی ) .

دکتر مصدق : برای آخرین مرتبه چند کلمه عرض کنم . بیانات ریاست محترم دادگاه امروز با روزهای قبیل فرق کرده است . امروز ما محدود می کشیدیم که فرخواست که در حدود کفرخواست صحبت کنیم در صورتیکه روزهای قبل می فرمودید هر چه را که متهم در محضر خود می دانست می تواند اظهار کند مشروط بر این که برخلاف مصالح مملکت نباشد و از آن بجز آنرا بقول آقا فراموش کردیم اما لایا شد این یک کلمه را در بیرون دادگاه اگر بگویم آمد خدمت جناب عالی عرض می کنم . بنده همین طوری که با دادگاه است کرده ام آن نطق ها هست اگر آجازه بدهید عینا " قرا ت می کنم . تیمسار دادستان به من نسبت همگاری با پیشه وری داد این که در کفرخواست نیست . اگر من در این باب عرض نکنم از خود دفاع نکرده ام من آنچه نوشتم می گوید در نفع من است حق دارم عرض کنم حالا شما نظرتان تغییر کرده بنده عرضی ندا رم و هیچ عرضی ندا رم به تکلیف خودتان عمل کنید .

رئیس دادگاه : آقای دکتر مصدق در مورد اینکه فرمودید نظرم در مورد دفاع با گذشته تغییر نموده صحیح نیست نظر من به حکم قانون همان است که گفته ام ولی متهمین نباید از این بیان من سوء استفاده کنند . در جلسه دیروز از این بیان سابق من سوء استفاده شد و با استعمال کلمه لفظ جمع در حضور شما چنان گفتید که افسران ارتش یعنی عموم افسران ارتش منزل مسرا غارت نمودند . چنانچه در مورد کلمه رجل و رجال روزی بحث فرمودید و تشریح کردید که رجل مفرد است و رجال جمع منم می گویم افسر مفرد است و افسران جمع . آیا انصاف است ؟ و وجدان شما را احتیاج است که به جمع کثیری از افراد این کشور که خود را خدمتگزاران مردم می دانند بدون استثناء نسبت غارتگری بدهید . من یکی از افسران ارتش و بین تیمساران دادستان جزوه مان جا معسه افسرانند . ما غارتگر خانه شما بودیم ؟ البته اجازه نمی دهم بنده شما و بنده متهم دیگر چنین اهانتهای توهین کننده ای که جان خود را فدای حفظ استقلال این مملکت نمودند و می کنند و افتخار به این ما موریت مقدس دارند بکنند . به لفظ جمع گفتید اهل جنوب شهر خانه ما غارت کردند .

اهالی جنوب شهر مردمان زحمت کش این کشورند . مردمانی هستند که زحمت اهلای شهر محرومند مردمانی هستند که با دسترنج روزانه خود لقمه نان می خورند و قدرت تهیه دارو برای اطفال خود ندارند . من رئیس دادگاه آجازه دهم به مدعاهای اهلای جنوب شهر که من به همه آنها احترام می گذارم که با زحمت روزانه رفح احتیاج یومی خود را می کنند آن وقت به لفظ جمع گفته شود غارتگران . آیا طرح چنین موضوعی و نسبت غارتگری به افسر و جنوب شهر اشری در دادگاه تها ماتی که مورد ادعای دادستان ارتش است وجداننا " تصدیق می فرمایید که در دادگاه ؟ شما دفاع کنید در مورد پیشه وری حق دارید هر دفاعی دارید بگویید چون دادستان ارتش عنوان کرد در دادگاه دفاع کنید . در هر مورد دادستان آن را مدرک قرار داده با قریب گرفته و خواسته است با استفاده از آن قرا تین و مدارک که بحق یا ناقص اتهام منتسب به شما ثابت کند حق دفاع دارید . اینک نیز می گویم در حدود این توضیحاتی که دادم دفاع خود را شروع کنید . چنانچه فرمایید به دنیا اعلام می کنم که چون قصدا هانت به ملت ایران و به افسران ارتش دادشتید و کیل خود شما مکل است از جنا بانی دفاع کنند و اگر ایشان هم استنکاف کردند دادگاه به وظیفه قانونی خود عمل خواهد کرد .

در ساعت ۱۱ جلسه بعنوان تنفس تعطیل و در ساعت ۱۱:۱۵ مجددا " جلسه تشکیل شد .

رئیس دادگاه : آقای دکتر مصدق در جواب هریسک از اظهارات دادستان ارتش هر چه برای دفاع لازم دارید بیان فرمایید . ریاست محترم دادگاه از بیاناتی که فرمودید من خیلی متاثر شدم ، چرا ؟ برای اینکه شخصی تیمسار مرا بجا نیا ورده اید و نمی دانید که من چه هستم چه فکرمی کنم چه هدفی دارم . من زندگی را به هیچ می شمارم . با کسانی که زندگی را به هیچ می شمارند

با بدطور دیگری صحبت کرد . فرمودید که من به افسران بدون استثناء توهین کردم . عرض می کنم که صورت جلسات برای همین تنظیم می شود که به کسی آنچه نگفته است نسبت ندهند . بفرما شید آن قسمت از صورت جلسات که بنده به عموم افسران و هموطنان عزیز خودم توهین کرده ام قرا ت کنند . اگر من چنین عرضی کرده باشم آن وقت هر چه بفرما شید صحیح است . بنده بساک ندا رم که افسران روی بیانات حضرت عالی نسبت به من بی لطف شوند زیرا آنها تابع حکم هستند اگر برادر من هم در میان این افسران باشد با شوقتی که حکم کنند دکتر مصدق را اعدا کنید خواهی کرد . بنا بر این دوستی و دشمنی افسران برای من تفاوتی ندا رد خصوصا " اینکه از مرگ به هیچ وجه هراسی ندا رم . این بود ارجع به مسئله افسران و ما اینکه فرمودید من به سا کشین شهر تهران هموطنان عزیزم را احترام می کرده ام و گفته ام اینها آمده اند خانه مرا غارت کرده اند عرض می کنم اگر کاری بشود و چیزی نگویم مثل این است که شده باشد ، اگر کاری نشود ولی بگویم مثل این است که شده باشد . بنده با آجازه تیمسار این قسمت از روزنامه فرانسوی را که به عقیده تیمسار دادستان کفر است و بنایا بد دست بگیرم می خوانم . چه میگوید ؟ میگوید ( دکتر مصدق به فرانسوی از روزنامه فرانسوی می خوانم ) این بود متن فرانسوی این روزنامه . حال روزنامه اسپرو تور را به فارسی می خوانم : " این عمل بواسطه ۴۰۰ و لگرت که در کودالهای شهر تهران جمع آوری شده بودند صورت گرفت و به هر یک ۵۰۰ فرانک دادند که هر قدر می خواهند غارت کنند . پلیس و ارتش مثل یک واحد عقب آنها بودند . " حال اگر ما در این مملکت به اینجا رسیده که در یک اطاقی بنشینیم و هیچ جایی را نگاه نکنیم و هر چه را بین اشخاص متعلق می گویند ، این است که کنیم و تصور کنیم که این تملق در نفع ما است . این ضرب المثل ایرانی را عرض می کنم : دوست آن است که بگریاند ، دشمن آن است که بخندد . دوست آن است که عیب شخصی را در جلوی روی دوست بگوید تا آن شخص توجه بکند و کاری که بد است نکند . این را می گویند دوست دوست دشمن آن است که تملق بگوید . تعریف کند اغفال کند و شخص را به جایی ببرد که نه راهش داشته باشد و نه راه

پس . ریاست محترم دادگاه . من همه جور جلسات دیدم . در مجلس شورا دیدم که کار آگاهان را لیا س عوض کرده اند ، نظامیان را لیا س سیویل بوشا نیدن و به مجلس آوردند . چرا این کار را کردند ؟ برای اینکه از مسئولیت مردم می ترسیدند . بدیهی است یک افسری یک ما حب منحصی که لیا س او را عوض کنند و تحت امر ما شدمی آید آنجا مثل مجسمه می نشیند و نگاه می کند ولی اگر ملتی بود اظها را احساسات می کند و هر کس که بخواد حساسات یک ملتی را بخواد بنده خانت به آن ملت کرده است . کلمه ای که تیمسار محترم در نطق فرمودید چیزی که منافی اخلاق باشد نگویم ، این عین بیانات تیمسار است .

بنده در این دادگاه عرض کرده ام و در هر حوزة و هر جلسه این مسئله رویه من بوده که چیزی منافی اخلاقیات نگویم . من عرض می کنم تیمسار محترم دیگر کتاب مفاومت ندا رم . اگر شما به من آجازه دفاع می دهید دفاع می کنم اگر نمی دهید ( رئیس دادگاه : آجازه داده می شود ) و البته به حق خدا حکم محکومیت را فرما ن افتخاری می دانم و زودتر راحت می شوم . بیش از این عرضی نمی کنم . اگر آجازه می دهید از خود دفاع

کنم . رئیس دادگاه : به شما آجازه دفاع داده شد . دکتر مصدق : به این شرط که تیمسار دادستان بر نخیزد حرف بزنند . حق ندا رد . اگر نمی خواد هی دلجسه را سگری کنید . رئیس دادگاه : به دفاع خود شروع کنید . دکتر مصدق : بعله ( بله ) چشم ، چشم آجازه بدهید بنشینم . رئیس دادگاه : بفرمایید .

- ۱ - منظور دکتر مصدق اظها را ت مهندس کاظم جفرودی در جلسه مورخ ۱۳۳۲/۲/۲۷ مجلس شورا میلمی ( دوره هجدهم ) در دفاع از زهد های نهضت ملی ایران می باشد .
- ۲ - دکتر مصدق پس از این عبارات در لایحه خود نوشته بود : که شایسته شایسته " ملت آزاد نیست که بیگانه گان بوسیله اعمال خود در انتخابت که تا موس مملکت است دخا لست کنند و به حرف سر تیب آزوده و امثال او که به نفع سیاست خارجی تبلیغات می کنند خود را متقا عد کنند هیچ وقت روی آزاد را نخواهد دید " ولی بعدا " روی آن خط کشیده است .
- ۳ - تا اینجا از خارج از لایحه صحبت می کرد و سپس از روی لایحه تنظیمی به قرا ت پرداخت .
- ۴ - اثار دکتر مصدق به مندرجات مجله خارجی است که در دادگاه بدوی با گرا و رپیشانی داغ شده ای تسلیم دادگاه کرد .
- ۵ - اظها نظرها ی مخالفین دکتر مصدق در مجلس شورای ملی با عت کلامها شومن اینجا گفته های مهندس جفرودی را می آورم .
- ۶ - منظور دکتر مصدق است .
- ۷ - این هم مثل همه قسمت دوم سال دوم حکومت دکتر مصدق را مورد انتقاد قرار داد تا نگویند مصدق است . ممکن است توهین دلش هم نبوده .
- ۸ - عنوان تیمسار سر تیب دادستان هم نظر دادگاه در دست نبود صحیح است که دادگاه اظها را شکر داد شکر تیمسار دادستان ارتش یا تیمسار سر تیب آزوده تیمسار دادستان ارتش بود . سر تیب دادستان آن موقع فرما ندا رد نظمی تهران بود و دکتر مصدق از این عدم تناسب موضوعی تواسسته بود جدا کرا استقا ده را در خلاف نظر دادگاه بکند و تحقیر نماید .

بقیه از صفحه ۱

که لفظ "ایران" و "ایرانی" را در مورد سفا رتخا نه ها و ما مورین سیاسی رژیم آیت الله بکا رمیبرند، ما اصرار داریم حساب این رژیم را از ایران و ایرانی جدا کنیم و احتراماً زدا ریم زاین که بگوئیم رژیم ایران یا دولت ایران یا ناما پنده ایران، تعددا "از رژیم آیت الله، با همان عنوانی که خودشان انتخاب کرده اند یعنی "جمهوری اسلامی" نام می بریم تا حرمت کلمه "ایران" محفوظ بماند. ما هیچ نوع بستگی بین خودمان با این رژیم و این پرچم و این علامتی که برای آن اختراع کرده اند حساس نمی کنیم، ولی متا سفا نه آنچه در جامعه بین المللی برسمیت شناخته میشود حساسات ملت ها نیست، موجودیت حکومت ها است.

سفا رتخا نه های جمهوری اسلامی را در همه جا - متا سفا نه - سفا رت ایسران میخوانند و ما مورین این سفا رتخانه ها را ایرانی می شناسند و هرکاری اینها میکنند ما ایران و ایرانی تمام میشود.

رژیم خمینی نه حیثیت برای خودش باقی گذاشته است، نه برای ایران و ایرانی. کشورهای زیادی در طول تاریخ دچار

## معجزات امام: تبدیل آدم به آدمکش

با ورتکردنی بکشانند.

با ورتکردنی نیست ولی ما به چشم خودمان می بینیم فقط در فاصله هشت سال، ایران چندین قرن به قهقرا برگشته و از هر جهت دجا را انحطاط شده است تا جایی که افراد تحصیل کرده آداب شناس آن هم از تا شیرا انحطاط برکنار مانده اند.

همین وحیدگرچی که زدا ستان او با خبرید جوانی است تقریباً "سی ساله که از کودکی با تفاق خانواده اش در فرانسه زندگی میکرده و در فرانسه درس خوانده و در فرانسه تربیت شده است. این شخص را رژیم خمینی تبدیل کرده است به یک آدمکش حرفه ای که با کمال خون سردی در کنار خیابان بمب میگذارد و مخصوصاً "جایی را انتخاب می کند که زده کام بیشتری با شد و عده بیشتری در نتیجه انفجار بمب کشته یا زخمی شوند.

وقتی جمهوری اسلامی سفا رتخا نه های خود را در کشورهای خارجی به کسانون فعالیت های تروریستی تبدیل میکند و برای ایجاد شبکه های تخریب و ترور و

انحطاط شده اند و کشور خود ما هم از این گرفتاری برکنار نبوده است. سیاحان و شرق شناسانی که در قرون هجدهم و نوزدهم به ایران سفر کرده اند تا غلب، در آثارشان اظهار تعجب میکنند که چطور ایران بدان عظمت و بدان آبادی بسه این چنین مخروبه ای تبدیل شده است و ایرانی ها که در عهد باستان، وقتی سیاهل و ماکانات آنقدر محدود بود، آنچنان امپراتوری بزرگ و نیرومندی ساختند و بخوبی از عهد ادا ره آن برمی آمدند امروزه بقایای نیمه ویران آن کشور بزرگ را نمی توانند آبا دنگهدارند و بدرستی ضبط و ربط و ادا ره کنند.

پاسخ به این سؤال در گذشته مستلزم ورود در بحث طولانی و تحلیل رویدادهای مختلف تاریخی و تا شیرا آنها برحوالات عمومی و خصوصی در جامعه بود، ولی امروز ما با سخ جسم آن را داریم. یک خمینی و یک حادشه، ما نهادنقلابی که او رهبری کرده کافی است برای این که هر مملکتی، هر ملتی، هر مذهبی، هر مسلکی را به انحطاط

تا با حافظ اسد در باره "متاسفانه" دو جانبه و کفرانسی صلح و جنگ خلیج فارس گفتگو کند.

رژیم تهران تا آرام است، روزنامه "کیهان" (جانب تهران) در شماره ۱۳ تیر، در ستون های اخبار محرمانه خود، زیر عنوان "سکوت دمشق" به لحنی آمیخته با نگرانی و تهدید، می نویسد که عبدالخلیم خدام وظایق عزیزیتا زکی در اردن ملاقات کرده اند، و بزودی نه تنها میان سران عراق و سوریه، بلکه بین حافظ اسد و ریگان نیز دیداری دست خواهد داد.

سوریه میدان را بر حزب اللهی ها در بعلبک تنگ تر کرده است و حتی تهدید کرده است که گروگانگیرها را در لبنان تحمل نخواهد کرد و در صورت لزوم بسیه محل های شنا سایی شده را بندگان حمله خواهد کرد.

روزنامه "تا میرده" پس از اشاره به دیدار سران دو کشور عراق و سوریه با حضور ملک حسین و میر عبداللہ و لبعهد عربستان سعودی، می افزاید: "سوریه مقدمات با زکسانی خط لوله، نفتی ما در اتسی عراق را به مدیترانه آغا ز نموده، هم اکنون با استفاده از کامیون های نفتکش بزرگ انتقال نفت ما در اتسی عراقی از خاک خود می باشد." روزنامه سین به تهدیدی تلویحی می پردازد که اگر سوریه نشان ندهد که از سیاست بیسین خود عدول نکرده است، می توان نتیجه گرفت که در برابر تهدیدهای غرب و تطمیع های ارتجاع عرب برانجام ناچار شده است در سیاست خود تجدید نظر کند.

## سوریه هم فاصله میگیرد

بقیه از صفحه ۱

جنوب لبنان را در اختیار بگیرند، مسلماً" مقامت خواهد کرد. در این صورت نیروهای سوری راهی جز سرکوب بیرحمانه این مقامت نخواهند داشت. میان نیروهای غازیکنان و حزب الله هیچ قانونی جز قانون زور قضاوت نخواهد کرد.

برس فقط این است که آیا جمهوری اسلامی نکست حزب الله و برچیده شدن نفوذ خود را از لبنان فرو خواهد بلعید و جزا عسرا فی لفظی کاری نخواهد کرد؟

اگر چه کنگاه از حوزه علمیه قم با مجلس شورای اسلامی صداتی به اعتراض علیه سوریه برمی خاست، اگر چه پس از کشتار حزب اللهی ها در لبنان این صدای اعتراض بلندتر شد، ولی سرانجام مذاکران تهران در برابر دمشق کوتاه آمدند.

چنین می نماید ما دام که دمشق در ارتباط با جنگ خلیج فارس موضعی هماهنگ با دیگر دولت های عرب منطقه اختیار نکند تهران ترجیح می دهد که کارش با سوریه به رویا روئی نکند، اما نشانها حکایت از آن دارد که زاین حیث جوش های در سیاست دمشق بیدار شده اند.

با زار مشترک اروپا در آخرین اجلاس وزیران خارجه خود سران شده تحریم های اقتصادی علیه سوریه را بر سر دارد، و انگلستان که به دنبال ماجرائسی تروریستی مناسبات دیپلماتیک خود را با دمشق قطع کرد، دست همیما نشان اروپائی خود را در این کار باز گذاشت. حکومت ریگان نماینده خود در سازمان ملل، ورتون والترزرا، به دمشق فرستاد

نشانهای سیاسی رکایت از این دارد که چنین کنفرانسی در دست تدارک است، و به دلایلی که اکنون از جزئیات آن نمی گذریم، این کنفرانس هر قدر به وقوع بافتن نزدیک تر گردد، به همان اندازه دمشق از تهران فاصله میگیرد، زیرا اگر صلح در منطقه فرا رسد، با یان جنگ هفت ساله جمهوری اسلامی و عراق را نیز مل خواهد شد. سوریه با بدیا مناسبات نزدیک با رژیم تهران را فرو نه دتا در جستان کنفرانسی با بقیه کشورهای عسرب، همصدا با یکمدا سخن گوید. این بهائتی است که دولت های عربی، خاصه عربستان سعودی و کویت، از سوریه می خواهند. با وضع اقتصادی که در سوریه روز به روز وخامت بیشتری گراید، مقامت در برابر چنین خواستی برای حافظ اسد روز به روز دشوارتر می گردد، چنین می نماید که نزدیکی با تهران دیگر میدان ما نوری بیش از این برای دمشق نخواهد گشود. به عکس، سوریه هر قدر به سوی اثبات تسلط خود بر لبنان جلوتر رود، سطح درگیری آن با حزب الله طرفدار جمهوری اسلامی و حتی خود با سدا ران انقلاب اسلامی گسترده تر خواهد شد.

کشتار بیست و اندی حزب اللهی در لبنان در اسفندماه با رسال به دست سربازان سوری، فقط کوبه ای از ابعاد وسیع درگیریهای خونین آینده را نشان می دهد. فرض را با بدیا بین نهاد که حزب الله، در برابر نیروهای سوری، اگر نخواهد سدره، بقا و بعلبک و حومه جنوبی بیروت و

آدم ربایی و آدم کشی بودجه های کلان اختصاص میدهد طبیعی است اما مثال وحیدگرچی هم پیدا میشوند که کارکردن با این شبکه را کوتاه ترین راه ترقی و موفقیت تشخیص میدهند.

وحیدگرچی کارمند وزارت امور خارجه نیست و سمت رسمی در هیات نمایندگی جمهوری اسلامی ندا ردولی همانطور که میدانیم در سفا رتخا نه همه کاره بوده است و فرا نسویها نیز او را شخص دوم سفارت می شناسند. بعلاوه، اینطور که از گزارشها برمی آید قرار بوده است وحیدگرچی به تهران برود و در نخست وزیری مسئولیت مهمی برعهده بگیرد و لابد این مقام، مقدمه وزارت او بوده است چنان که اشخاص دیگری هم در این چندساله فقط به اعتبار رسوا بقشان در فعالیت های تروریستی وزیر شده اند.

حمایت آشکار جمهوری اسلامی از وحیدگرچی، بذات خود قبول اتهام آلودگی به فعالیت های تروریستی از طرف رژیم آیت الله محسوب میشود.

دیگران، وقتی میخوانند ما عسور جا سوسی و خرابکاری به کشورهای خارج بفرستند اول با او می کنند که اگر اتفاقاً گرفتار شد دولت هرگونه ارتباط خود را با وی تکذیب خواهد کرد. جمهوری اسلامی، علاوه بر اینکه علی رغم مقررات بین المللی سفا رت را مرکز فعالیت های تروریستی قرار داده و از امکانات و تسهیلات و معافیت های دیپلماتیک برای قتل و تخریب در سرزمین دیگران بهره برداری ردیلان کرده است، عوض این که بنحوی بر آلودگی خود سرپوش بگذارد و وحیدگرچی را بداخل سفا رتخا نه میبرد و برای او مصاحبه مطبوعاتی ترتیب میدهد، معنی این کار چیست؟

معنایش اینست که وحیدگرچی شخصاً مسئول انفجار و تخریب و تحریک و آدم کشی و قاچاق اسلحه و مواد مخدر نبوده و همه این کارها را او و دیگران طبق دستور سفا رت انجام می داده اند.

مسأله وحیدگرچی اگر به مداخله علنی سفا رت نمی کشید هم بصورت یک امر قضائی و هم در کار دریده و بیستان های دیپلماتیک قابل حل و فصل بود ولی حالاً قضیه صورت دیگری پیدا کرده است. یک سفا رتخا نه و در واقع، یک دولت بسرای اولین مرتبه آشکارا مسئولیت عملیات تروریستی را در کشور دیگری به عهده گرفته و این غیرا زما جرای قاچاق تریساک بوسیله صادق طباطبائی یا سرقت با رانی توسط رجائی خراسانی است که به آسانی بتوان سر و تهش را بهم آورد.

### وادی ایران است پایتختی و ماه

برنامه اول
تاریخ: ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ ساعت: ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج کوتاه رادیوهای ۲۵ متر (فرکانس ۱۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۹۵۸۵ تا ۹۵۹۴ کیلوهرتز) و ۴۱ متر (فرکانس ۷۱۷۰ کیلوهرتز).
برنامه دوم
تاریخ: ۶/۲۵ تا ۶/۲۵ روی امواج کوتاه رادیوهای ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۶۵۰ کیلوهرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۱۲۰۰ کیلوهرتز) و ساعت: ۲۲/۲۵ به وقت تهران روی امواج کوتاه رادیوهای ۲۱ متر (فرکانس ۱۲۰۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۲۰ کیلوهرتز).



### به خمینی

### اسلحه نقر و شید

دکتر شایسته یوریکتیا رهبر نهضت مقاومت ملی ایران در بیانی که بکشید نوزدهم ژوئیه به مناسبت سوگند نا فرجام به جان آقای امیرحسین امیرکبیر، رئیس هیأت اجرائی نهضت در انگلستان فرستاده اظهار داشت که توطئه سوگند به جان دوست و هم‌روزم آقای امیرحسین امیرکبیر، با ردیکره نبوت رساند که رژیم خمینی در ورای حدود و نفوذ قانون بین المللی و اجتماع بین المللی ست دکتر یوریکتیا در بیانی خود گفت در آنچه مربوط به نهضت مقاومت ملی ایران است عوامل رجالی خمینی با بدبختی ننداستخوش انشیا به مملکتی شده اند، چنانچه تصور کنند که با این اقدام های تروریستی موفق خواهند شد، غای نهضت را دستخوش ترس و وحشت سازند، ما همچنان به رغم تمام اقدام های قاتلان حرفه ای رژیم تهران به تلاش خود برای حصول صلح، دموکراسی و حقوق بشر در ایران عزیزمان ادامه خواهیم داد و در آنچه مربوط به انگلستان و کشورهای غربی است به آنها می گویم که آیا موقع آن فرانسوی ها است که از ادامه معامله با این رژیم دیکتاتورانه ظالم که سیاست آن مدور افکار فراطی و ترس و وحشت به کشورهای جهان است خودداری کنند، دکتر یوریکتیا در بیانی گفت من خواستار تحریم کامل فروش اسلحه به جمهوری اسلامی هستم و این خواست ما مل بستن دفاتر شرکت ملی نفت در لندن که در آن ماه موران خمینی سرگرم خریدهای بین المللی اسلحه هستند نیز می گردد.

### سخنرانی دکتر عبدالرحمن پرویند

### هدف نهضت

بقیه از صفحه ۴  
استقرار حاکمیت ملی مبارزه میکنند بلکه از استقلال و حاکمیت سازمانی خود هم به تمام نیرو دفاع مینمایند و در هیچ شرایطی به هیچ کس اجازه مداخله و تهمیل اراده نمیدهد.  
(۰۰۰)  
حفظ ثبات منطقه و در نتیجه، حفظ صلح جهانی میسر نیست مگر اینکه نظام مردم سالاری و حاکمیت بی قید و شرط ملی در ایران مستقر گردد و فقط در این صورت است که منافع مشروع آنان نیز ضمن رعایت حداکثر منافع و مصالح ملت ایران تأمین خواهد شد.  
اینک با توجه به مطالبی که عرضه داشتیم ملاحظه میفرمائید که اقدامات لازم برای اینکه بعد از سرنگون ساختن رژیم مآخوندی ملت ایران دچار سردرگمی نشود و گرفتار غول بیابان نگردد، بعمل آمده و باید دید که آیا بدو تکمیل شود و سپس عملیات برای نجات ایران که آغاز شده است، تدارک شده و میشود یا غایب گردید.  
من در اینجا رسماً اعلام میکنم که نهضت

### رژیم بی فردا

نه تنها در ایران، بلکه در همه آنچه به ایران مربوط می شود - خاصه در خلیج فارس - منظره سیاسی سریع تر از آن تغییر می کند که بتوان آن را نادیده گرفت. پایه های فشارهای اقتصادی - اجتماعی که در داخل رژیم تهران سنگینی می کند و توان آن را گاه آهسته و گاه تند و تندی پیوسته، می فرساید، فشارهای بین المللی نیز بر آن افزایش یافته است تا راهلی برای جنگ پیدا شود.  
اما آیا رژیم تهران در این فشارها به سوی میز مذاکره خواهد آمد تا در باره شرایط آتش بس و ترک مواضع مذاکره کند؟ برای دادن پاسخ منفی به این پرسش نیازی به تفکری طولانی وجود ندارد. دیگر حتی خوشبین ترین ناظران و مفسران نیز تردیدی در این ندارند که رژیم تهران، دست کم ما دام که خمینی زنده است و خط اصلی سیاست رژیم را تعیین می کند، به هیچ روی به مذاکره روی نخواهد آورد. هر چند که روز به روز روشن تر شود که پیروزی نظامی در چشم انداز قرار نداد و در وقتاً درخواهد گرفت.  
به این ترتیب با پذیرش آن فشارها به کدام منظور است؟ پاسخ این است که فشارها اگرچه رژیم خمینی را به میز مذاکره نخواهد کشاند، اما درست کردن پایه های قدرت و وودرتنگ کردن نفس و تواناندیش از این دروادی بی پایان جنگ بدود، تأثیری نمایان نخواهد داشت.  
ما با رها اشاره کردیم که به رغم تلاش های انسان دوستانه موسسه ها و چون حقوق بشر و عفو بین المللی، دولت ها هرگز از رژیم شهری به سفاکی و تجاوز و زوری نخواهند گردانند اگر آن رژیم پایه های حکومتش را در داخل استوار کرده باشد. اکنون اشاره می کنیم که عکس این نیز بیهی همان اندازه درست است. اگر پایه های حکومتی در داخل مستقر شود، هیچ انگیزه ای سبب نخواهد شد که دولت ها به سوی چنین حکومت در حال فرو ریختن، دست یاری دراز نکنند و در نجات آن بکوشند. آنان نسبت به حکومت های به اصطلاح "دوست" چنین نمی کنند، و در باره رژیم خمینی به طریق اولی نخواهند کرد.  
اینکه رژیم خمینی فاسد است، اینکه رژیم خمینی از تروریسم بین المللی حمایت می کند و یکی از خاستگاه های اصلی آن است، اینکه رژیم خمینی مدام به حقوق بشر تجاوز می کند - اینها چیزی نیست که دولت های بزرگ اروپا تا زه دریا فته باشند. حتی پس از آن که معلوم شد از این لحاظ هیچ نقطه ای با می در مورد رژیم خمینی وجود ندارد، حکومت آمریکا

کوشید تا پنهانی با آن را ببطور قرا رکند که رسوائی معروف به "ایرانیکیت" بسیار آمد.  
و اکنون که دولت های مهم اروپا بی تناسب خود را به حد اقل لازم کاهش داده اند و حتی فرانسه تهدید کرده است که مناسبتش را با رژیم تهران قطع خواهد کرد، فقط یک نتیجه می توان گرفت: پایه های رژیم خمینی سست شده است و حکومت تهران فردا بی نذارند.  
اما این سبب نمی شود که رژیم تهران برای بیرون آمدن از انزوایی که روز بروز بیشتر می شود، تلاشی ننماید. گرداگرد آن در خلیج فارس، حلقه مدام تنگ تری می شود. رژیم تهران پس از آن که تلاش و برای شکاف انداختن در سیاست آمریکا تا کشتی های کویستی نتوانند پرچم آن کشور را بر کشتی های خود برافرازند، به نتیجه دلخواه نرسید، می کوشد و حرکت موازی با یکدیگر انجام دهد. نخست اینکه با حمله به کشتیها در خلیج فارس نشان دهد که به رغم افزایش حضور نظامی ابر قدرت ها در این آبراه بین المللی، آرا مشیدان با زنگشته، بلکه نا امن تر نیز شده است.  
دوم اینکه با انعطاف پذیری بیشتر در عرصه دیپلماتیک، درهای مذاکره را برای توافق های احتمالی بعدی باز بگذارد.  
و اکنون نسبتاً ملایم رژیم تهران در برابر تعرض دیپلماتیک فرانسه در ارتباط با فعالیت های تروریستی و حیدر گرجی زیک سوودر عین حال حمله به یک کشتی بازرگانی فرانسوی در آب های جنوبی خلیج فارس از سوی دیگر، جلوه های همین سیاست دوگانه رژیم تهران است.  
ولی در حالی که واکنش ملایم دیپلماتیک رژیم تهران سبب نشده است که فرانسه در مورد حیدر گرجی کوتاه بیاید و نخست وزیر این کشور گفته است که، حیدر گرجی، با بداندقاضی تحقیق حاضر شود، گمان نمی رود که تهدید های تروریستی در خلیج فارس واقعاً احتمالاً لبنان، فرانسه را به نرزش وادارد.  
سرزنی که اروپا ثیان و آمریکا ثیان با آن روبرو هستند این است که در گذشته در برابر رژیم تهران بیش از اندازه نرزش نشان داده اند. افکار عمومی در این کشورها می گوید اگر دولت آنها به سرزنی در افتادن با رژیم تروریست عذلات به اندازه کافی ورزیده ای دارند، اکنون روز نشان دادن این عذلات است.  
پرواز جنگنده های آمریکا ثیان و هواپیما بر کانس تلیشن "برفاز خلیج فارس" اگر فقط در حدیک قدرت نمایی ساده باشد، کار دولتی های بزرگ را خراب خواهد کرد. آمریکا برای باور پذیر کردن اراده خود باید جلوتر از اینها برود.  
این نتیجه ای است که اکثریت بزرگ سیاستمداران آمریکا بی بدان رسیده اند.

یزدان پاک یک با ردیگردنیا خواهد داد  
دانست که: ایران هرگز نخواهد مرد

### درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴۰ فرانک فرانسه -  
شش ماهه ۱۲۰ فرانک فرانسه -  
دانشجویان نصف قیمت

این جانب ( نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین )  
نام خانوادگی: Nom .....  
نام: Prénom .....  
آدرس: Adresse: .....

مایلیم نشریه، قیام ایران را به مدت یک سال ( مبلغ ) به مبلغ ..... فرانک فرانسه به حساب بانکی نشریه حساب بستی نشریه ( حواله ) بشن رسیده به ضمیمه ارسال می گردد.  
تاریخ: امضا

شماره حساب بستی: QYAM IRAN C.C.P No: 2400118/E PARIS  
شماره حساب بانکی: QYAM IRAN Crédit du Nord 78, Rue de la Tour 75116 Paris Compte No: 11624700200

### توجه لازم

شما دارد تقاضای اشتراک را به آدرسی قیام ایران ارسال فرمائید. نامه ها می که به آدرس حساب بستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

### عطسه بیداری غرب

بقیه از صفحه ۳  
با هزار نیرنگ، دولت آخوندهای فاسد و ضد بشر را تقویت کرده اند؟ همدا بران میدانند که سما، دول غربی، بمنظور حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود، با وجود اهانتهای مستعربانه، سرمایه مستی و جوش عمامه سرکه نارتانند، همواره درصددمناس و دلجوئی با اقلیت فاسد و زورگوی حاکم بر ایران بوده اند.  
امروز که دولت فرانسه دست رد برتقاضای بی منطق و اولتیماتوم خجلت آور آخوندها زده و روابط سیاسی خود را با جمهوری آذمکنان قطع کرده است، می بینیم آن سوائی که دکتر یوریکتیا، در ماه نوامبر ۱۹۸۲، در انجمن "کنفرانس های بزرگ با رین" مطرح کرد که: کدام کشور عاقبت این سعادت را خواهد داشت که تقاضا کند کسوری که قوا عدزندی بین المللی را محترم نمیدارد، از جامعه بین المللی رانده شود؟ - هر چند در بر با سخ خود را یافته است.

بقیه از صفحه ۱

مجلس پنجم میدان مسابقه‌ها می‌شود و سردار سپه‌لازم می‌دید که اکثریت نمایندگان این مجلس را در اختیار داشته باشد. بدین منظور، ماء موران وزارت داخله (کشور) و تنظیم (شهربانی) و حکام نظامی ولایات، بر حسب اشاره دولتی، مورد نظر شدند. انتخابات را بنفع طرفداران شناخته شده سردار سپه‌کاگردانی کنند و از کسائی هم که زمینه‌های داشتند و انتخاب آنها محتاج صندوق سازی و مداخلة دولت نبود، پیشاپیش بنفع سردار سپه بیعت بگیرند.

بدین ترتیب، مجلس پنجم در حالی که اکثریت اعضای آن را طرفداران یاسر سرداران سردار سپه تشکیل میدادند، رسمیت یافت ولی البته اقلیتی هم وجود داشت و افکار عمومی هم در آن روزگار هنوز نقشی در جریانات سیاسی کشور ایفا نمی‌کرد و بدین ترتیب، از همان ساعت اول، مجلس جدید صحنه کشمکش دو گروه سیاسی شد، گروه‌ها میان سردار سپه و گروهی که از افزایش قدرت سردار سپه و نشست او بر مسند ریاست فائقه و فرمانروایی کشور و همه داشتند و معتقد بودند که سردار سپه قدرت بیشتری پیدا کند تا مشروطیت خوانده خواهد شد.

وکلاي مجلس میبایستی در ابتدای کارشان به کلام الله مجید سوگند بخورند که نسبت به قانون اساسی وفادار خواهند بود و در قانون اساسی، قید شده بود که سلطنت موروثی ایران حق مسلم خاندان قاجار است و نسل بعد از نسل در اولاد ذکور محمد علی شاه قاجار باقی خواهد ماند. آنوقتها هنوز سوگند یاد کردن، آنهم سوگند بقید قرآن، امری سرسری گرفته نمی‌شد. عده‌ای از وکلای اکثرشان هم معموها هل نما زور زده بودند چون میدانستند در مجلس پنجم کاری با پیدانجام شود، در مانده بودند که با این سوگند تکلیفشان چیست.

خاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی یکی از این وکلای بود، او در خاطرات خود مینویسد:

"ده روزی سردار سپه مرا طلبیده میگوید هیئت علمیه مجلس تازه رام شده و کارها داره بدجریان می افتد فقط آنها را تعلل کردن یک عده از نمایندگان که از جمله شما هستی در کار سوگند خوردن دلتنگ میباشند و تقاضا کرده اند زما و زدیگر رفقای قسم نخورده بخوام در ادای این رسم تعجیل نمائید که این غائله هم برطرف شود.

جواب میدهم چون نمایندگی را پذیرفته‌ام ناچار باید وظایف و تشریفات آن را بجا آورم اما شخصی شما میگویم اگر رفتیم به کرسی خطابه مجلس و قسم یاد کردیم که از حدود قانون اساسی تجاوز نکنیم دیگر به کاری که مخالف این قانون بوده باشد اقدام نخواهیم کرد.

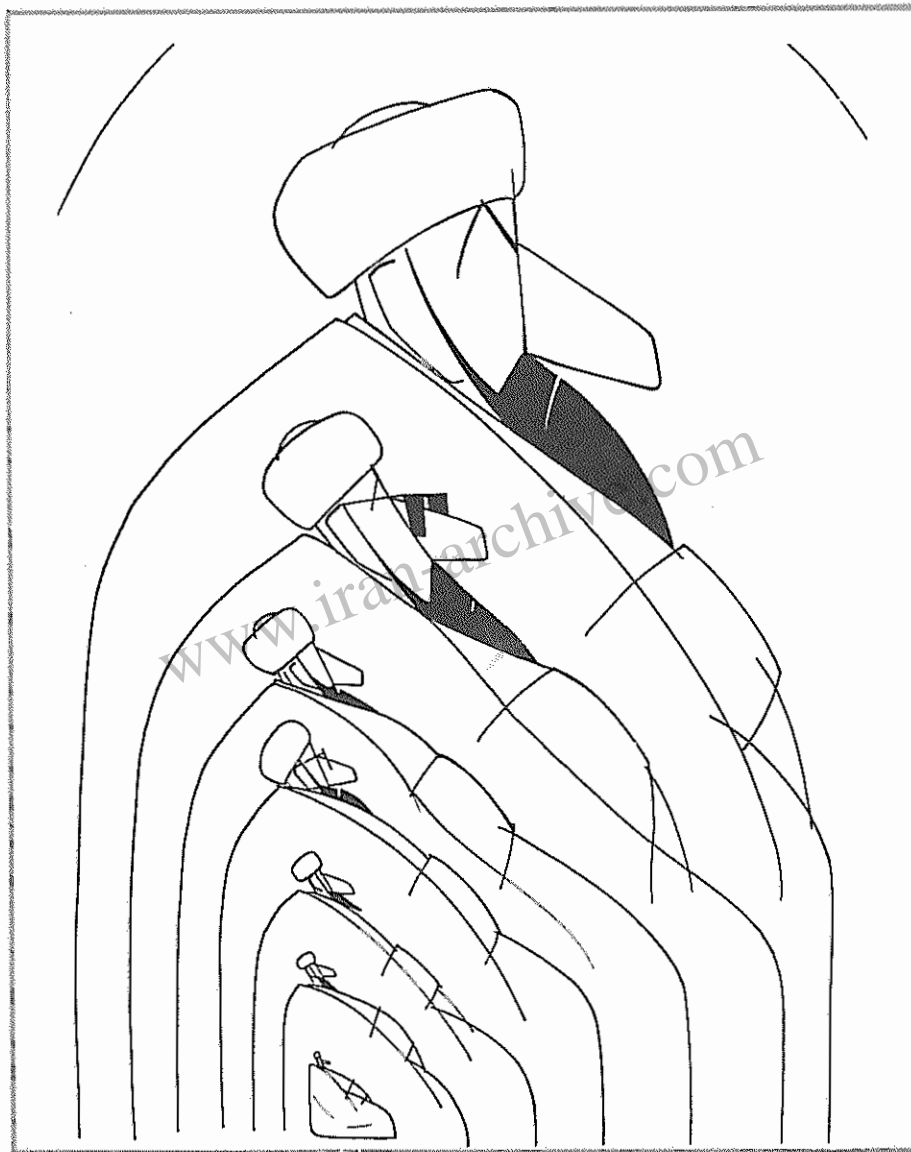
سردار سپه با بشره برافروخته میگوید: این چه حرفی است؟ امروز این اقتضای را دارد، رفتا می‌کنید فردا هم هر چه اقتضا کرده‌مان را خواهید کرد!!".

سومین مجلس اسلامی هم - در صورتی که

## حمله و ضد حمله

جناح اول با تغییر و تبدیل وسیع فرمانداران حمله را آغاز کرد. فرماندارانی که عوض شدند عموماً "سفا" شده اند. جمعاً و جماعت بودند وزیر نفوذ آنها قسراً داشتند. از آنجا که همه جمعاً و جماعت بیشتر "بیت‌ناپام" در ارتباطند وجود فرماندارانی که تحت نفوذ آنها

وضع و احوال سیاسی در ایران بصورت عادی ادامه پیدا کند. صحنه با زیبایی بزرگ خواهد بود و به همین سبب است که مدعیان قدرت از هم اکنون بر سر انتخابات و تصاحب کرسی‌های بیشتر پنجه در پنجه یکدیگر انداخته‌اند. جناح‌ها بسته به "بیت‌ناپام" که به طرفداران



قرا داشته باشند طبعاً "مزا" انتخاب وکلای مورد نظر برای تشکیل مجلس یکدست خواهد بود. از زینرو فرمانداران جدیدی از طرف وزارت کشور تعیین شدند که مطیع اوامر مرکز باشند و گوش به حرف آخوندهای محل ندهند.

همزمان، حمله دیگر جناح وابسته به بیت اما منیبا انحلال حزب جمهوری اسلامی به موفقیت مقرون شد. در حزب جمهوری اسلامی، گروه‌هایی از مذهبیون و تجار و اصناف که از افتادن قدرت مطلقه بدست رفسنجانی و دارودسته و بیعتا کنند با یگانهای محکمی داشتند و حزب خواسته‌ها را در انتخابات نقش مؤثری ایفا می‌کرد و اینهم برای انتخابات صدرصد دولتی بمنظور تشکیل مجلس یکدست مزا حتمی محسوب میشد. بنا بر این حزب

فقه پویا شهرت یافته و ائتلافی است از سید احمد خمینی، هاشمی رفسنجانی، موسوی نخست وزیر، محتشمی وزیر کشور، رفیق دوست وزیر سپاه و تعدادی دیگر از اطرافیان و بستگان خمینی همان تاکتیکی را اختیار کرده است که سردار سپه برای رسیدن به قدرت مطلقه بکار گرفت. یعنی میخواستند مجلسی یکدست از وکلای سرسپرده تشکیل دهد و بدست این مجلس تمام مقاصد خود را اجراء کند.

در برابر این گروه، جناح وابسته به "بیت‌ناپام" قرار دارد که به طرفداران فقه سنتی مشهور شده است و این جناح می‌گوشد سنگرهای را که هنوز در مقابل تسلط طلبی جناح دیگر مقاومت میکنند نگهدارند و از اینکه رقیبان اختیار کامل مجلس را بدست آورند مانع شود.

منحل شد تا کاندیدایی در انتخابات نداشته باشد.

تنها مانعی که در برابر انتخابات مورد نظر و تشکیل "مجلس یکدست" باقی مانده شورای نگهبان است. نطق تضرع میسر رفسنجانی در برابر خمینی، راجع به شورای نگهبان، مقدمه‌ای برای مرحله سوم حمله و درهم کوبیدن این سنگر آخربین بود زیرا شورای نگهبان در انتخابات، اختیارات تعیین کننده دارد. صلاحیت کاندیداهای نمایندگی با بدیهه تصویب شورای نگهبان برسد و در حقیقت، شورای نگهبان است که در مرحله نهایی نامزدهای نمایندگی را معرفی میکند. علاوه بر این، نظارت بر صحت جریان انتخابات از وظایف شورای نگهبان بشمار می‌آید و شورای نگهبان میتواند انتخابات را در هر مرحله‌ای متوقف یا باطل کند.

رفسنجانی، در خطابه استرگامیه خود، شورای نگهبان را مانع اصلی در راه تصویب قوانین اساسی و تحقق بخشیدن به هدفهای انقلاب و تاءمین سعادت مستضعفان معرفی کرد و از آیت الله خمینی، بعنوان "تنها کسی که در زیر این آسمان و تنها در این مقطع از زمان قادر است تصمیمات پیاپیانه بگیرد" درخواست کرد تا بین سدمزاجان از پیش پای انقلاب برآید.

خمینی در آن جلسه جواب صریحی نداد. ولی رفسنجانی چند روز بعد، در مصاحبه مطبوعاتی خود اعلام داشت که حضرت امام قول داده اند قدری فکر کنند و بیژودی تصمیم خواهند گرفت. اما از ظرفی، آیت الله منتظری که حریف دیگر این بازی است و آخوندهای متنفذ طرفدار فقه سنتی را پشت سر دارد، در ملاقات با اعضای شورای نگهبان، مسئولیت آنها را در انتخابات گوشزد کرد و گفت:

"من همواره سفا رش کرده‌ام که میبایست با دقت مسائل را بررسی کرد و وقتی تشخیص داده شد روی آن ایستادگی کرد و تحت تأثیر جو سازی‌های کاذب قرار نگرفت. احترام به شورای نگهبان یک امر ضروری است و نباید بگذاردیم خدای نا کرده بسرنوشت علماء طراز اول در تمام قانون مشروطه مبتلا شود..."

حال نوبت آیت الله خمینی است که ورق خود را بازی کند و با آنطور که حجت الاسلام رفسنجانی آرزو دارد که سوزگوش شورای نگهبان را نیز مانند حزب جمهوری اسلامی درهم بریزد و با ملاحظه آخوندهایی که هنوز نمیتوان قدرت و نفوذشان را نادیده گرفت، همچنان به کجدار و مریز ادا مدهد.



نشانی:  
 QYAM IRAN  
 C/O G.B.  
 17, bd RASPAIL  
 75007 PARIS  
 FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد